



حمایت حداکلی

ناکامی جلی - جلیلی در پارلمان



سربازان صلح

شرمین نادری



جنگ بر سر لیتیوم

افزایش رقابت بر سر مواد معدنی حیاتی



جنگ علیه دارو

درباره آزادسازی قیمت دارو و جهش قیمت‌ها

تأثیر جنگ بر معیشت

غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی در نشست خبری مطرح کرد: افزایش هزینه‌های تولید به دلیل وقوع جنگ است



یادداشت روز

اهرم فشاری که نباید بسوزد

هرمز را گروگان نگیریم، بلکه معامله کنیم

علی بیگدلی

کارشناس مسائل بین‌الملل



مذاکرات ایران و عمان بر سر تنگه هرمز در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار گرفته است؛ مذاکراتی که نتیجه آن، تنها به نحوه عبور کشتی‌ها از یک آبراه راهبردی محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند بر اقتصاد ایران، روابط تهران با آمریکا و حتی آینده جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در منطقه اثر بگذارد. پرسش اصلی اکنون این است: آیا ایران می‌تواند از موقعیتی که در تنگه هرمز به‌دست آورده یک دستاورد دیپلماتیک و اقتصادی پایدار بسازد یا آنکه این فرصت به‌تدریج از دست خواهد رفت؟

تنگه هرمز برای ایران یک اهرم فشار است اما هیچ اهرمی تا ابد ارزش خود را حفظ نمی‌کند. اگر مسیرهای جایگزین به‌ویژه با هدف دور زدن تنگه توسعه پیدا کنند، بخشی از اهمیت راهبردی هرمز کاهش خواهد یافت. توافق احتمالی بر سر مسیرهای شمالی و جنوبی نیز اگر به شکلی تنظیم شود که بخش قابل‌توجهی از کشتی‌ها عملاً مسیرهای جنوبی را انتخاب کنند، می‌تواند موقعیت ایران را تضعیف کند. بنابراین مذاکره درباره هرمز نباید صرفاً به مسئله عبور و مرور کشتی‌ها تقلیل یابد؛ این موضوع باید در چارچوب یک معامله بزرگ‌تر و متوازن‌تر دیده شود. ایران اکنون می‌تواند از هرمز برای دستیابی به مجموعه‌ای از امتیازات مشخص استفاده کند: لغو محاصره دریایی، تضمین توقف تهدید نظامی، فعال شدن مسیرهای بانکی، آزادسازی دارایی‌های ایران و پیشبرد سریع‌تر ترتیبات امنیتی در لبنان. لازم نیست، تهران در این مرحله همه تحریم‌های جهان را یکجا مطالبه کند؛ بسیاری از تحریم‌ها اساساً در اختیار واشنگتن نیستند. اما رفع تحریم‌های آمریکایی، کاهش فشار اقتصادی و باز شدن مسیرهای مالی می‌تواند یک نقطه شروع واقع‌بینانه برای توافق باشد.

مسئله مهم‌تر، اقتصاد ایران است. ادامه محدودیت‌های دریایی در شرایطی که کشور با مشکلات اقتصادی و کمبودهایی از جمله در حوزه سوخت مواجه است، می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل کند. اگر فشار دریایی با محدودیت‌های احتمالی در مسیرهای زمینی به سمت چین و آسیای مرکزی همراه شود، مسئله از یک بحران اقتصادی به یک تهدید جدی برای امنیت ملی تبدیل خواهد شد. سیاست خارجی نمی‌تواند نسبت به چنین هزینه‌هایی بی‌اعتنا باشد.

ایران پس از جنگ، اعلام پیروزی کرده و همین مسئله سطح انتظارات سیاسی را بالا برده است. اما پیروزی در میدان نباید به‌معنای از دست دادن فرصت در میز مذاکره باشد. دیپلماسی دقیقاً برای تبدیل دستاوردهای میدان به امتیازات پایدار اقتصادی و سیاسی به‌کار می‌آید. اگر پنجره‌های دیپلماتیک هنوز باز است، استفاده نکردن از آنها می‌تواند در آینده، هزینه‌ای بسیار بیشتر از امتیازاتی داشته باشد که امروز برای رسیدن به توافق لازم است.

هرمز امروز یک اهرم است؛ اما اهرم زمانی ارزشمند است که پیش از فرسوده شدن به نتیجه تبدیل شود. اگر ایران نتواند از این فرصت برای تأمین منافع اقتصادی و امنیتی خود استفاده کند ممکن است، کشورهای منطقه در سال‌های آینده مسیرهای جایگزین را چنان توسعه دهند که اهمیت هرمز کاهش یابد.

مسئله امروز، عقب‌نشینی نیست؛ مسئله اصلی تبدیل تهدید به فرصت و دستاورد است. سیاست خارجی موفق آن نیست که صرفاً اهرم فشار در اختیار داشته باشد بلکه سیاستی است که بداند چه زمانی و در برابر چه امتیازی باید از آن استفاده کند. هرمز نباید به یک برگ سوخته تبدیل شود؛ باید به توافقی تبدیل شود که امنیت، اقتصاد و جایگاه منطقه‌ای ایران را همزمان تقویت کند.

مذاکره در قاهره

جرد کوشنر، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا و خلیل الحیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در پایتخت مصر پشت میز مذاکره نشستند

در یکی از مهم‌ترین تحرکات دیپلماتیک برای نجات آتش‌بس غزه، جرد کوشنر، مشاور و داماد دونالد ترامپ، روز یک‌شنبه در مصر مستقیماً با رهبران حماس دیدار کرد؛ نشستی که هدف اصلی آن بررسی امکان اجرای عملی تعهدات این گروه درباره خلع سلاح و غیرنظامی کردن نوار غزه و در نهایت خارج کردن مذاکرات از بن‌بست بود. این دیدار از آن جهت اهمیت ویژه‌ای دارد که نخستین ملاقات مستقیم کوشنر با رهبران حماس از زمان توافق غزه در اکتبر گذشته محسوب می‌شود. نشست حدود دو ساعت به طول انجامید و خلیل الحیه،

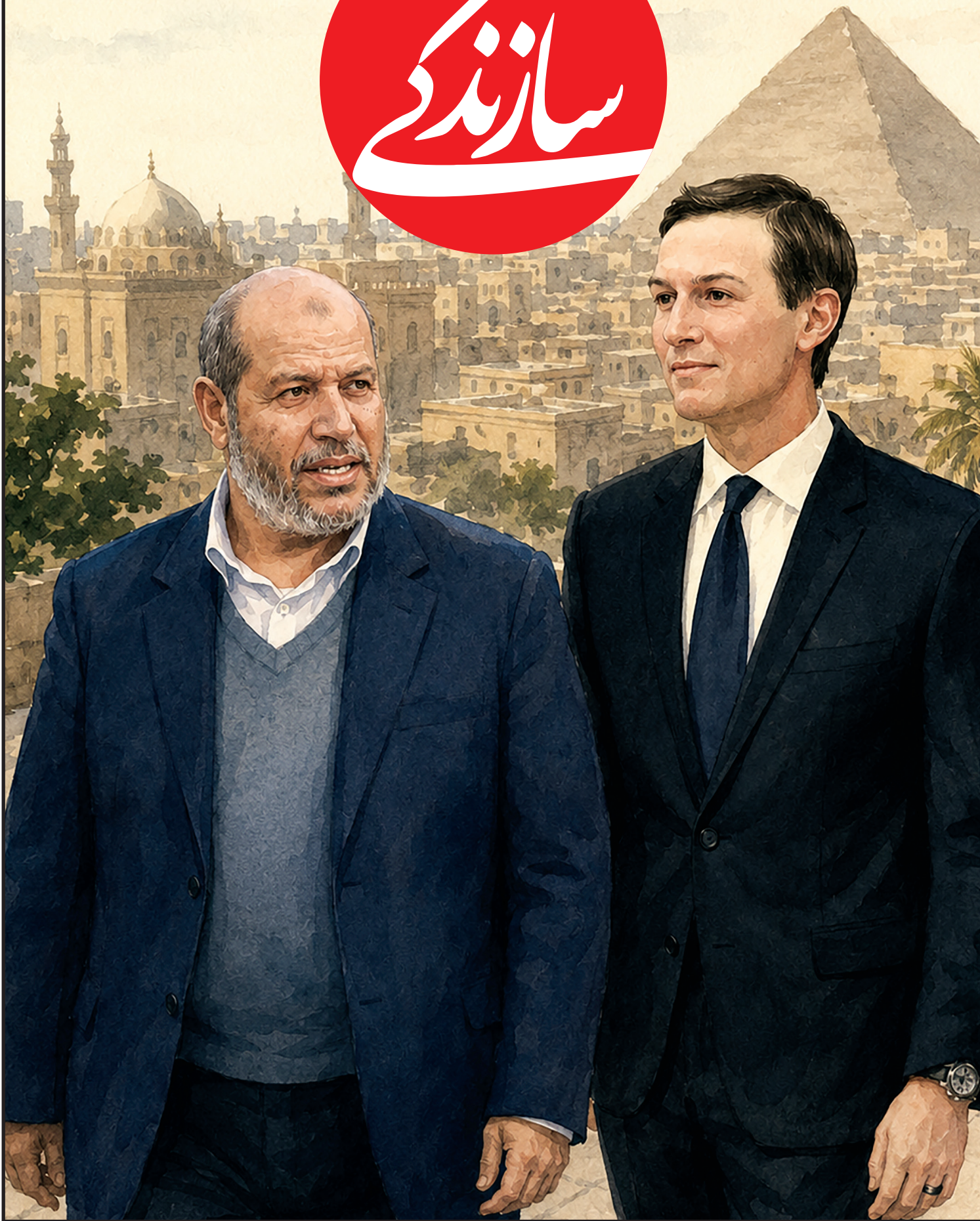
ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



رئیس دفتر سیاسی و مذاکره‌کننده ارشد حماس در کنار کوشنر و شماری از مقام‌های ارشد منطقه‌ای و بین‌المللی در آن حضور داشتند. تونی بلر نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، نیکولای ملادنوف نماینده عالی هیأت صلح، حسن رشاد رئیس سازمان اطلاعات مصر، علی الذوادی دیپلمات قطری و یک مقام ارشد ترکیه‌ای نیز در این مذاکرات شرکت کردند. موضوع اصلی این دیدار اعتماد متقابل به‌ویژه مسئله خلع سلاح حماس بود. کوشنر در پشت درهای بسته به رهبران این گروه صراحتاً گفت که اسرائیل به وعده‌های حماس اعتماد ندارد و واشنگتن برای ادامه روند صلح، خواهان مشاهده اقدامات ملموس در زمینه خلع سلاح است.

ادامه در صفحه ۳



احزاب

پاسداری از کرامت معیشتی مردم

بیانیه حزب مجمع اینثارگران درباره ضرورت اصلاح اقتصاد سیاسی کشور

گروه سیاسی: حزب مجمع اینثارگران در بیانیه‌ای نسبت به کاهش رفاه عمومی، افزایش نابرابری، فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی هشدار داد و تأکید کرد که عبور از این وضعیت با اصلاحات محدود اقتصادی یا تغییر عملکرد یک دولت ممکن نیست؛ بلکه نیازمند بازنگری و «اصلاح اقتصاد سیاسی کشور» است.

این حزب، ریشه بخشی از مشکلات را در سیاست‌هایی دانسته که طی سالیان گذشته زمینه‌ساز رانت، انحصار و توزیع نابرابر فرصت‌ها و منابع شده‌اند و اکنون هزینه این ناکارآمدی‌ها به جامعه منتقل شده و فشار اقتصادی بر دوش خانوارهاست.

بیانیه در نخستین گام، کرامت معیشتی مردم را معیار اصلی سیاستگذاری قرار می‌دهد. در شرایطی که کاهش قدرت خرید، دشواری تأمین مسکن، درمان و آموزش و گسترش فقر، جامعه را تحت‌فشار قرار داده، حزب تأکید دارد که نمی‌توان اصلاح اقتصادی را صرفاً با افزایش قیمت‌ها و انتقال هزینه‌ها به مردم پیش برد. در این بیانیه آمده که پیش از مطالبه هزینه بیشتر از مردم باید با «هزینه‌های غیرضرور، رانت‌ها، انحصارات، فرارهای مالیاتی، قاچاق سازمان‌یافته و سایر منافذ اتلاف منابع عمومی» برخورد شود.

حزب، کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید خانوارها را نتیجه بی‌انضباطی‌های مالی، رشد نقدینگی، ناترازی‌های مزمن و ضعف سیاستگذاری پولی و ارزی دانسته و تورم را «مالیات پنهان» بر درآمد و دارایی مردم توصیف کرده است؛ مالیاتی که فشار اصلی آن بر مزدبگیران، بازنشستگان و طبقات متوسط و کم‌درآمد وارد می‌شود. اصلاح نظام پولی و بانکی، کنترل رشد نقدینگی و برقراری انضباط مالی مورد تأکید قرار گرفته است.

مجمع اینثارگران خواستار حذف هزینه‌های غیرضرور و غیرمولد و هدایت منابع به سمت تولید، اشتغال، آموزش، سلامت، پژوهش، فناوری و زیرساخت شده است. در این نگاه، مسئله فقط کمبود منابع نیست بلکه نحوه تخصیص آنها نیز محل اشکال است و حزب بر شفافیت منابع و مصارف عمومی و پاسخگویی درباره هزینه‌کرد بودجه تأکید کرده است. حزب هشدار داده که ادامه ناطمینانی اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری و محدود شدن فرصت‌های شغلی، کشور را با خطر از دست دادن نیروهای متخصص مواجه می‌کند. رفع موانع تولید، حمایت از کارآفرینی، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و ایجاد محیطی رقابتی برای بخش خصوصی، راهکارهای پیشنهادی است.

از نگاه مجمع اینثارگران، مبارزه با فساد نباید به برخورد با مفسدان پس از وقوع فساد محدود شود بلکه باید به سراغ ساختارهایی رفت که رانت و فساد را تولید و بازتولید می‌کنند. این حزب تأکید کرده که هیچ نهاد، بنیاد یا بنگاه اقتصادی نباید خارج از قواعد عمومی شفافیت، حساسرسی، مالیات، رقابت و پاسخگویی قرار گیرد.

حزب مشکلات اقتصادی را به نحوه توزیع اختیار و مسئولیت در ساختار حکمرانی پیوند می‌زند و معتقد است بخشی از مجموعه‌های مؤثر بر اقتصاد از قدرت قابل‌توجهی برخوردارند اما پاسخگویی آنها متناسب با این میزان از اختیار نیست. بر همین اساس تأکید شده است: «هر میزان از اختیار و قدرت اقتصادی باید با همان میزان از شفافیت، نظارت‌پذیری و پاسخگویی عمومی همراه باشد».

بیانیه همچنین تأکید دارد که نمی‌توان همه مشکلات اقتصادی را به عملکرد دولت‌ها نسبت داد؛ چراکه بخشی از تصمیمات مؤثر بر اقتصاد خارج از حوزه اختیار دولت‌ها اتخاذ می‌شود. از نگاه این حزب، اصلاح اقتصاد سیاسی و بازتعریف قواعد فعالیت اقتصادی نهادهای برخوردار از قدرت و امتیاز ویژه، ضرورتی جدی است.

مجمع اینثارگران معتقد است، جنگ و استمرار تنش هزینه‌ای فراتر از میدان نبرد بر اقتصاد تحمیل می‌کند و بر تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال اثر می‌گذارد. این حزب خواستار استفاده حداکثری از ظرفیت دیپلماسی، تداوم مذاکره و حمایت از راه‌حل‌های سیاسی برای کاهش تنش‌های غیرضرور شده است.

این حزب در جمع‌بندی مواضع خود تصریح کرده است: «انتخاب امروز کشور میان «اصلاح کردن» و «اصلاح نکردن» نیست؛ مسئله بر سر اصلاح به موقع و کم‌هزینه یا تحمیل اصلاحات دیر هنگام و پرهزینه در آینده است». از این منظر اصلاح اقتصادی نه پروژهای صرفاً اقتصادی بلکه آزمونی برای میزان شفافیت، پاسخگویی و اراده سیاسی همه ارکان کشور است.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

حمایت حداقلی

شکست سنگین ائتلاف جلی - جلیلی در جلب حمایت نمایندگان مجلس



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سه هفته دویدن، تماس گرفتن و امضا جمع کردن؛ حاصلش شد ۷۴ امضا از مجموع ۲۸۵ نماینده مجلس دوازدهم. این تمام چیزی است که پیمان جلیلی، رئیس رسانه ملی برای دفاع از ادامه حضورش در صداوسیما از مجلس به‌دست آورده است؛ حمایت حدود ۲۶ درصد نمایندگان.

در این مدت معاونت پارلمانی سازمان، نمایندگان را یکی‌یکی برای اعضای بیانیه حمایت از صداوسیما و ابقای جلیلی پای کار آورد؛ اما در نهایت حتی یک‌سوم مجلس هم حاضر نشد، پای این حمایت امضا بزنند. عددی که به‌خودی‌خود حرف زیادی برای گفتن دارد. مدیری که قرار است با تکیه بر جایگاه و عملکرد خود، ادامه کار دهد حالا برای اثبات مقبولیت‌اش ناچار شده از نمایندگان امضا جمع کند و نتیجه آن، نشان می‌دهد حتی در مجلسی که بخش قابل‌توجهی از ترکیب آن با جریان سیاسی حاکم بر صداوسیما همسوست اکثریت حاضر نشده‌اند، پای این مدیریت هزینه بدهند.

نکته مهم اینجاست که رئیس صداوسیما منصوب رهبری است و سازمان تحت مدیریت او نیز نهادی فراتر از یک دستگاه اجرایی معمولی محسوب می‌شود. بنابراین اینکه چرا رئیس صداوسیما باید برای ادامه حضور خود به جمع‌آوری علنی امضا و جلب حمایت نمایندگان

متوسل شود، محل سوال است. وقتی معاونت پارلمانی سازمان، نمایندگان را یکی‌یکی برای اعضای بیانیه حمایت از رئیس، پای کار می‌آورد، دیگر با یک لابی سیاسی معمولی طرف نیستیم. در مناسبات سیاسی، لابی و رایزنی برای جلب حمایت، امری شناخته‌شده است؛ اما اینکه خود یک سازمان برای تثبیت رئیس‌اش وارد چنین فرآیندی شود، دست‌کم نشان می‌دهد که مدیریت صداوسیما از میزان مقبولیت خود مطمئن نیست و شاید بیش از هر کس دیگری می‌داند که بخش بزرگی از جامعه دیگر او را نمی‌خواهد.

امضاهایی که به کار نمی‌آیند

این ماجرا از یک جهت دیگر هم قابل‌توجه است: اصلاً ابقای رئیس صداوسیما در اختیار نمایندگان مجلس نیست. حکم رئیس سازمان را مجلس صادر نمی‌کند که برای تمدید آن نیازی به جمع‌آوری اعضای نمایندگان باشد. مشخص نیست هدف از این رایزنی‌ها و جمع‌آوری امضا چیست و قرار است با این بیانیه چه تصویری از حمایت مجلس از جلیلی ساخته شود؟

اقدامی که البته حتی در میان نمایندگان هم بدون انتقاد نماند. مجتبی زارعی، نماینده تهران ۱۸ مرداد در شبکه ایکس

دولت

تصمیم‌گیری با مردم

عارف: رئیس‌جمهور تصمیم گرفته پرونده فیلترینگ را ببندد

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در دیدار با اصحاب رسانه، روایت دولت از ماجرای عرضه بنزین با نرخ جدید در کرمان را تشریح کرد؛ روایتی که از یک‌سو بر حرکت تدریجی دولت به سمت اصلاح قیمت بنزین تأکید دارد و از سوی دیگر نشان می‌دهد، اجرای تصمیم‌های حساس اقتصادی، بدون هماهنگی با مرکز و اطلاع مردم، جایی در برنامه دولت ندارد.

عارف می‌گوید، مسئله بنزین پیچیده است چراکه هر تصمیم درباره قیمت آن می‌تواند مستقیماً یا غیرمستقیم بر قیمت سایر کالاها اثر بگذارد. با این حال دولت معتقد است، شیوه فعلی پرداخت پارانه بنزین عادلانه نیست. به گفته معاون اول، دهک ۲۳ برابر دهک اول از پارانه بنزین استفاده می‌کند و دولت می‌خواهد در یک مسیر منطقی، پارانه را به مصرف‌کننده نهایی و به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر برساند.

عارف توضیح داد که پس از توقف اصلاح ساختاری قیمت بنزین در جریان جنگ رمضان، دولت با تغییر سهمیه‌ها توانست ۱۰میلیون لیتر صرفه‌جویی ایجاد کند و در ادامه با بررسی کارشناسی و تعامل با نهادهای امنیتی و سایر قوا، نرخ چهارم

از تماس معاونت پارلمانی صداوسیما برای گرفتن امضا انتقاد کرد و این اقدام را «کار زشت» خواند. او نوشت که از تماس‌گیرنده پرسیده است: «اگر نمایندگان می‌خواهند، امضا کنند به تو و آقای جلیلی چه ربطی دارد که با تماس‌های تلفنی که در واقع نوعی ابزار تهدید و تطمیع است به جلب نظر و جمع‌آوری امضا مبادرت کنید؟»

زارعی در ادامه با انتقاد از عملکرد مدیریت صداوسیما نوشت: «مگر جمع کردن امضا، خرابکاری‌های هیأت‌رئیس سازمان را برای وحدت‌شکنی‌ها و قطبی‌سازی‌ها و عدول از فرامین امام شهید و امام رشید در رسانه ملی درست جلوه خواهد داد؟!» او همچنین گفت به فرد تماس‌گیرنده هشدار داده این اقدام را متوقف کند و از همکاریش خواسته است، نامه حمایت از جلیلی را به دلیل «خرابکاری و ناتوانی‌های رئیس صداوسیما در اداره سازمان» امضا نکنند. زارعی در



نهایت تأکید کرد: «به تلفن‌کننده گفتم اگر علی‌الغرض حکم آقای جلیلی را امام جامعه تمدید فرمایند، من ناچیز اطاعت خواهم کرد، نه فقط قانونی بلکه دلی و حقیقی!»

بی‌توجهی به مطالبه جامعه

از این منظر ۷۴ امضا را می‌توان شکست سنگین ائتلاف «جلیلی-جلیلی» دانست؛ ائتلافی که طی سال‌های گذشته، نماد یک رویکرد مشخص در صداوسیما بوده که منتقدانش آن را یکی از عوامل فاصله گرفتن رسانه ملی از جامعه می‌دانند. اگر این مدیریت توانسته بود، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی لازم را ایجاد کند، انتظار می‌رفت دست‌کم در مجلس، که بخش مهمی از ترکیب آن، همسو با جریان سیاسی حاکم بر صداوسیماست، حمایت گسترده‌تری از او شکل بگیرد.

البته این عدد فقط دربارۀ جلیلی و وحید جلیلی، قائم‌مقام فرهنگی او سوال ایجاد نمی‌کند؛ درباره نمایندگان امضاکننده هم محل سوال است. اینکه ۷۴ نفر حاضر شده‌اند از ادامه کار مدیریت فعلی حمایت کنند، در شرایطی که نارضایتی از عملکرد صداوسیما در جامعه گسترده است، نیازمند توضیح است. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که آن را در کنار بازنشر بخش مهمی از پیام رهبر انقلاب درباره عملکرد مجلس در

بنزین را تعیین کرد. قرار بود استان کرمان به دلیل تجربه موفق کاهش ۱۱ درصدی مصرف سوخت، محل اجرای پایلوت این سیاست باشد. با این حال مسئولان استان کرمان پیش از هماهنگی با مرکز تصمیم به اجرای این سیاست گرفتند. عارف می‌گوید، دولت بلافاصله پس از رسانه‌ای شدن موضوع، دستور توقف اجرای آن را صادر کرد. حتی نرخ اعلام شده از سوی استان نیز با نرخ مورد نظر دولت تفاوت داشت. پیام معاون اول روشن است: اصلاح قیمت بنزین در دستورکار دولت قرار دارد اما قرار نیست چنین تصمیمی ناگهانی و بدون مشورت با مردم، رسانه‌ها و نخبگان اجرا شود. در عین حال دولت قصد ندارد، سهمیه اول بنزین را کاهش دهد اما سهمیه دوم باید به‌تدریج کاهش پیدا کند؛ مسیری که در نهایت به سمت آزادسازی قیمت‌ها می‌رود. عارف بابت اطلاع‌رسانی دیر هنگام درباره کاهش سهمیه دوم نیز از مردم عذرخواهی کرد.

او درباره فیلترینگ نیز موضعی صریح گرفت و گفت اینترنت «شاهراه» است و نمی‌توان به دلیل برخی تخلفات، کل آن را بست. از نگاه او، فیلترینگ به گسترش VPN منجر شده و همین

روزهای اخیر بگذاریم؛ جایی که تأکید شده، مصوبات مجلس باید با «مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم» نسبتی مستقیم و مشهود داشته باشد و مجلس باید با مواضع و مصوبات خود به «امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور» کمک کند. اما آیا نیاز امروز جامعه، ابقای مدیریت فعلی صداوسیماست؟

به نظر می‌رسد، پاسخ را باید در نسبت میان صداوسیما و جامعه جست‌وجو کرد. رسانه ملی سال‌هاست با بحران اعتماد و سرمایه اجتماعی روبه‌روست. بخش قابل‌توجهی از جامعه احساس می‌کند، صداوسیما دیگر تصویر متنوع و واقعی جامعه را بازتاب نمی‌دهد و به جای آنکه رسانه همه مردم باشد به رسانه یک جریان سیاسی خاص تبدیل شده است. در چنین شرایطی نیاز جامعه این نیست که نمایندگان برای ابقای یک مدیر امضا جمع کنند. نیاز جامعه این است که رسانه ملی به جایگاه خودش برگردد؛ رسانه‌ای که بتواند دوباره بخش‌های مختلف جامعه را نمایندگی و اعتماد از دست رفته را بازسازی کند. اما به‌نظر می‌رسد تا زمانی که ائتلاف جلیلی-جلیلی در صداوسیما حضور دارد، رسیدن به این هدف، دست‌کم برای منتقدان این جریان بعید به‌نظر می‌رسد.

مجلس، صدای مردم را بشنود

این مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که عملکرد مجلس را در کنار وضعیت عمومی جامعه قرار دهیم. در کشوری که مردم با فشار اقتصادی، تورم، نااطمینانی و بحران اعتماد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، آیا مسئله فوری مجلس باید دفاع از مدیریت صداوسیما باشد؟ اگر قرار است همان‌طور

که در پیام رهبری تأکید شده، «مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم» مبنای تصمیم‌گیری مجلس باشد، اولویت نمایندگان باید مطالباتی باشد که مستقیماً با زندگی، دغدغه‌ها و اعتماد عمومی مردم گره خورده است؛ نه تثبیت مدیریتی که برای جلب حمایت از آن سه هفته عملیات جمع‌آوری امضا لازم بوده است. نماینده مجلس پیش از هر چیز باید نسبت خود را با مطالبات جامعه روشن کند. وقتی بخش قابل‌توجهی از مردم از عملکرد صداوسیما ناراضی‌اند، نمایندگان نباید صرفاً به اتکالی مناسبات سیاسی و جناحی از جلیلی حمایت کنند. نماینده باید ببیند، مردم از رسانه ملی چه می‌خواهند، نه اینکه یک سازمان از او چه امضایی طلب می‌کند.

در نهایت، مسئله اصلی فراتر از جلیلی و جلیلی؛ جایگاه رسانه ملی است. صداوسیما برای بازگشت به جامعه به امضای ۷۴ نماینده نیاز ندارد؛ به تغییر رویکرد، بازسازی اعتماد و فاصله گرفتن از سیاستی نیاز دارد که جامعه را به خودی و غیرخودی تقسیم می‌کند. همین جا هم باید مز مجلس با جناح‌بازی روشن شود. نمایندگان قرار است، صدای مردمی باشند که به آنها رأی داده‌اند. اگر خواست جامعه بازگشت رسانه ملی به جایگاه واقعی خودش است، حمایت آنها از وضع موجود نمی‌تواند، پاسخ به این مطالبه باشد.

مسئله می‌تواند، تهدیدی برای امنیت ملی باشد. عارف حتی با اشاره به سابقه دانشگاهی خود گفت: «من به‌عنوان یک استاد دانشگاه نمی‌دانم فیلترینگ چه منافع‌ی برای کشور دارد؟»

به گفته معاون اول، رئیس‌جمهور تصمیم گرفته، پرونده فیلترینگ بسته شود هرچند تعدد نهادهای و شوراهای قانونی باعث شده این روند زمانبر باشد. او گفت: «رئیس‌جمهور واقفیت کشور را می‌گوید و دنبال القای ناامیدی نیست. اطرافیان رئیس‌جمهور، وزرا و مدیران دولت هستند و ایشان از دیگران تأثیرپذیری به‌معنای منفی ندارد بلکه یکی از چهره‌هایی است که اعتقاد کامل به ولایت دارد و تصمیمات رئیس‌جمهور بر اساس سیاست‌بازی یا باندبازی نیست».

در نهایت، عارف تأکید کرد که چه در اصلاح قیمت بنزین و چه در سیاست‌های ارتباطی، دولت به‌دنبال تصمیم‌های آتی نیست؛ بلکه می‌خواهد تصمیم‌های حساس را با اطلاع مردم، مشارکت نخبگان و کمک رسانه‌ها پیش ببرد. او همچنین گفت، دولت چهاردهم خود را برای بدترین سناریوها آماده کرده است؛ هرچند آغازگر جنگ نخواهد بود اما برای مواجهه با جنگ احتمالی آینده آمادگی بیشتری نسبت به گذشته دارد. با این حال اولویت دولت در دو سال پیش‌رو نه جنگ بلکه «ثبات نسبی در بازار، تأمین معیشت مردم و ارتقای تاب‌آوری کشور» است؛ اولویت‌هایی که نشان می‌دهد، میدان اصلی دولت حالا جایی است که امنیت، اقتصاد و اعتماد اجتماعی به هم گره می‌خورند.

ادامه تیتیر یک

مذاکره در قاهره

در مقابل، رهبران حماس تلاش کردند، اطمینان آمریکا را به دست آورند. آنها از کوشش خواستند، پیام روشنی به ترامپ منتقل کند مبنی بر اینکه حماس به تعهد خود برای خلع‌سلاح در چارچوب طرح صلح آمریکا پایبند است. کوشش نیز از این موضع استقبال کرد و ضمن تشکر از رهبران حماس از همکاری این گروه در بازگرداندن اجساد گروگان‌های کشته شده اسرائیلی قدردانی کرد.

با این حال جلسه کاملاً بدون تنش نبود. رهبران حماس از ادامه حملات اسرائیل به غزه ابراز نارضایتی کردند اما کوشش در پاسخ یادآور شد که «چهار ماه طول کشید تا حماس با اصل خلع‌سلاح موافقت کند».

با وجود این اختلافات، نشست در نهایت از سوی طرف‌ها «بسیار سازنده» توصیف شد؛ نشانه‌ای که می‌تواند حاکی از تلاش واشنگتن برای تبدیل تعهدات کلی حماس به اقدامات عملی باشد.

بیانیه حماس

پس از پایان نشست، حماس در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که با نقشه راه مرحله دوم طرح صلح ترامپ موافقت کرده است؛ اما نکته قابل توجه این بود که در این بیانیه، اشاره‌ای صریح

دیپلماسی

تکذیب کانال محرمانه

ایران گزارش آکسیوس را رد کرد

گروه بین‌الملل: پس از برهم خوردن تفاهم‌نامه ایران و آمریکا که در ۲۸ خردادماه به امضای سران دو کشور رسید، تهدیدها از جانب هر دو ادامه دارد. سردار حسین مجبی، سخنگوی سپاه درباره ادعای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه آمریکا از طریق کانال پشت‌پرده با مقامات سپاه پاسداران درباره موضوعات جنگ در حال گفت‌وگوست، تأکید کرد: هیچ گفت‌وگویی میان مقامات سپاه با آمریکایی‌ها در جریان نیست و این دروغ ترامپ صرفاً فانتزی‌هایی است که به‌خاطر توهमत و کابوس‌های ناشی از شکست و استیصال در جنگ به آن دچار شده است. سپاه، بازو و زبان قدرت ملت ایران و جمهوری اسلامی است و حرف خود را در میدان می‌زند؛ مباحث دیپلماتیک در حوزه کاری، بخش‌های دیگری از جمهوری اسلامی است و البته طبق اطلاعاتی که داریم و بر مبنای تأکیدات مسئولان محترم وزارت امور خارجه حتی در این بخش هم به‌خاطر خلف‌وعده‌ها و تجربه‌های تاریکی که از نقض عهدهای مکرر و دائمی آمریکا وجود دارد، در حال حاضر هیچ گفت‌وگویی با آمریکایی‌ها صورت نمی‌گیرد. سردار مجبی با تأکید بر اینکه «خیال‌پردازی ذهنی ترامپ کمکی به او در میدان نمی‌کند» گفت: ترامپ تلاش می‌کند با این اظهارات، قیمت نفت و انرژی را در دنیا به‌طور موقت کنترل کند؛ اما او تنها یک راه واقعی پیش رو دارد و آن پذیرش شکست و اجرای شروطی است که ایران تعیین کرده؛ لذا آمریکایی‌ها هرچه زودتر و سریع‌تر ناکامی را بپذیرند و بر مبنای آن تصمیم بگیرند، کشورشان را از خسارت‌های بزرگ‌تر و بیشتر نجات می‌دهند.

واکنش وزارت امور خارجه

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه هم در نشست خبری در پاسخ به سوالاتی مبنی بر اینکه آمریکا برای اطمینان از اینکه تیم مذاکره‌کننده ایران و روند مذاکرات مورد حمایت نیروهای مسلح و سپاه است از طریق یک کانال غیررسمی در اقلیم کردستان عراق با سپاه پاسداران در ارتباط بوده تا از مورد اعتماد بودن این مذاکرات اطمینان حاصل کند و اینکه گفته شده نشست محرمانه‌ای نیز بین ایران و آمریکا در اپریل برگزار شده است؟ با رد موضوع نشست محرمانه میان ایران و آمریکا، گفت: این خبر ساختگی است. وی در مورد وجود کانال ارتباطی از مسیر اپریل نیز گفت: این موضوع از شگردهای جنگ روانی و رسانه‌ای است و در راستای القای اختلاف بین ارکان تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود و تردید نکند که این موضوع از روی استیصال مطرح شده است.

ماجرای چه بود؟

براساس گزارش باراک راوید در آکسیوس، دولت ترامپ در اردیبهشت‌ماه به این نتیجه رسیده بود که یکی از مشکلات اساسی

به خلع‌سلاح نشده بود. همین مسئله نشان می‌دهد که اگرچه گفت‌وگوها وارد مرحله‌ای جدی‌تر شده‌اند اما اختلاف اصلی همچنان پابرجاست. در سوی دیگر بنیامین نتانیاهو خلع‌سلاح کامل حماس را پیش‌شرط اجرای توافق می‌داند. او هفته گذشته تأکید کرده بود که اسرائیل سند ۱۵ ماده‌ای شورای صلح درباره غزه را رد می‌کند و ارتش این کشور تا زمانی که حماس «به‌طور واقعی» خلع‌سلاح نشود، عقب‌نشینی نخواهد کرد.

فشار از دو سو بر نتانیاهو

کوشش‌ر پس از دیدار با رهبران حماس با عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، نیز دیدار کرد. همزمان قرار است، ملادنوف و بلر روز دوشنبه با نتانیاهو دیدار کنند تا تلاش‌ها برای پیشبرد طرح ترامپ ادامه یابد. اما نتانیاهو تنها با فشار آمریکا و کشورهای منطقه مواجه نیست؛ در داخل کابینه اسرائیل نیز مخالفان جدی هرگونه کاهش عملیات نظامی حضور دارند.

ایتمار بن گوریر، وزیر امنیت ملی راست‌گرای افراطی اسرائیل پیش‌تر طرح ۱۵ ماده‌ای را «غیر قابل قبول» خوانده و خواستار ادامه عملیات شدید علیه غزه شده است. او حتی از انجام

در تلاش برای دستیابی به توافق با ایران، این است که مذاکره‌کنندگان آمریکایی نمی‌توانند مطمئن باشند، افرادی که در طرف مقابل میز مذاکره نشسته‌اند، واقعاً از طرف سپاه پاسداران سخن می‌گویند یا از اختیار لازم برای اجرای توافق برخوردارند. به همین دلیل دولت آمریکا اقدامی غیرمعمول انجام داد و تلاش کرد، مذاکره‌کنندگان رسمی ایران را دور زده و مستقیماً با سپاه پاسداران ارتباط برقرار کند.

ادعاهای ترامپ علیه ایران

ترامپ روز دوشنبه ۲۶ مرداد، در اظهاراتی درباره برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد، تهران تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. او در مصاحبه با شبکه آمریکایی فاکس نیز با اشاره به اینکه درباره ایران عجله‌ای ندارد، مدعی شد انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا هیچ تأثیری بر تصمیم‌گیری او درباره تهران ندارد. رئیس‌جمهور



آمریکا در ادامه با لحنی تهدیدآمیز گفت، ایران باید «برچم سفید تسلیم» را بالا ببرد. او در توصیف وضعیت ایران اظهار کرد: «ایرانی‌ها بازیکنان پوکر خوبی هستند، اما در حال مردن هستند». ترامپ همچنین درباره میزان مهماتی که تاکنون در حملات علیه ایران استفاده شده، گفت آنچه تا امروز به کار رفته «ناچیز» بوده است؛ ادعایی که نشان می‌دهد رئیس‌جمهور آمریکا همچنان تلاش دارد ظرفیت نظامی واشنگتن را بسیار گسترده‌تر از آنچه تاکنون به نمایش گذاشته شده، نشان دهد.

اختلاف بر سر چیست؟

اظهارات ترامپ همزمان با پایان بازه‌ای مطرح شد که از آن به‌عنوان مهلت ۶۰ روزه برای دستیابی ایران و آمریکا به توافقی فرآگیرتر درباره پایان جنگ، برنامه هسته‌ای ایران و بازگشایی تنگه هرمز یاد می‌شد. اما به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه در متن یادداشت تفاهم موضوعی تحت‌عنوان «مهلت ۶۰ روزه» وجود ندارد. به گفته او آنچه در تفاهم‌نامه پیش‌بینی شده بود صرفاً یک بازه ۶۰ روزه برای گفت‌وگو درباره دو محور «رفع تحریم‌ها» و «موضوع هسته‌ای» بوده که در صورت عدم دستیابی به نتیجه، قابلیت تمدید داشته است.



«تروهای هدفمند» و کشتن شمار زیادی از افراد در غزه سخن گفته است.

آتش‌بس روی کاغذ، جنگ در میدان

این اختلافات در شرایطی ادامه دارد که آتش‌بس از ۱۰ اکتبر سال گذشته برقرار است اما در عمل حملات اسرائیل تقریباً هر روز ادامه داشته است.

وزارت صحت تحت اداره حماس اعلام کرده که از زمان آغاز آتش‌بس بیش از ۱۲۰۰ نفر کشته شده‌اند و یونیسف نیز از کشته شدن دست‌کم ۳۰۰ کودک خبر داده است. پس از رد طرح ۱۵ ماده‌ای از سوی اسرائیل برای مدتی وقفه‌ای در حملات ایجاد شد؛ وقفه‌ای که گزارش‌ها، آن را حاصل درخواست آمریکا می‌دانستند اما حملات دوباره از سر گرفته شد. ارتش اسرائیل نیز روز یک‌شنبه اعلام کرد مواضع

با وجود این توضیح، واقعیت میدانی نشان می‌دهد که اختلافات نه‌تنها حل نشده بلکه احتمال ورود تقابل به مرحله‌ای جدید افزایش یافته است. خبرگزاری رویترز نیز به نقل از یک مقام ارشد ایرانی که نام او را منتشر نکرد، گزارش داد تهران تصمیم گرفته، سیاست خود را از حالت دفاعی به حالت «کاملاً تهاجمی» تغییر دهد.

شواهد چه می‌گوید؟

در سوی دیگر، برخی چهره‌های رسانه‌ای نزدیک به ترامپ نیز اذعان دارند که دستیابی به تسلیم ایران آسان نخواهد بود. مارک لوین، مجری مطرح آمریکایی و از حامیان ترامپ به‌تازگی در برنامه خود گفت: «حکومت ایران تسلیم نخواهد شد؛ هیچ‌وقت تسلیم نمی‌شود. ما پیش از این هم در جنگ‌هایی با دشمنانی روبه‌رو شده‌ایم که حاضر به تسلیم نبودند». او سپس با اشاره به ژاپن در جنگ جهانی دوم گفت: «کامی‌کازدها را یادتان هست؟ ژاپن را چطور؟... متأسفانه مجبور شدیم، دو بمب اتم بیندازیم تا تسلیم شوند. البته حالا قرار نیست چنین کاری کنیم». لوین در ادامه افزود: «اما دارم درباره دشمنی صحبت می‌کنم که خودش را مستحکم کرده و در مواضع‌اش فرو رفته است. با چنین دشمنی چه باید کرد؟» کشورهای منطقه و جهان نیز معتقدند که چاره‌ای جز دیپلماسی برای حل مسئله ایران وجود ندارد. پاکستان که در این روند مهم، نقش میانجی را برعهده دارد همچنان در تلاش برای نزدیک کردن دیدگاه‌های ایران و آمریکاست.

پیامدها چیست؟

اگر ترامپ در چنین شرایطی، تصمیم به افزایش تنش با ایران بگیرد، خطر درگیر شدن کشورهای منطقه در یک جنگ گسترده‌تر نیز افزایش خواهد یافت؛ جنگی که این بار ممکن است، ابعاد آن از رویارویی مستقیم تهران و واشنگتن فراتر رود. در چنین سناریویی، تنگه هرمز می‌تواند به مرکز اصلی بحران تبدیل شود و هرگونه اختلال در آن بحران جهانی انرژی را تشدید کند. بنابراین مسئله اصلی فقط این نیست که ایران یا آمریکا در نهایت کدام‌یک پیروز جنگ خواهند بود؛ پرسش بزرگ‌تر این است که آیا دو طرف می‌توانند پیش از آنکه چرخه تهدید، فشار و پاسخ متقابل به یک جنگ منطقه‌ای فراگیر تبدیل شود، راهی برای بازگشت به دیپلماسی پیدا کنند یا نه.

چه خواهد شد؟

برخلاف ادعای ترامپ درباره بی‌تأثیر بودن انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره بر محاسبات او درباره ایران به نظر می‌رسد، انتخابات آمریکا همچنین انتخابات سراسری اسرائیل، می‌تواند نقش مهمی در تحولات آینده داشته باشند. جی‌دی ونس، معاون ترامپ به‌تازگی تصریح کرده که اولویت نخست آمریکا در جنگ با ایران، «کاهش قیمت نفت و بنزین» است؛ موضعی که اهمیت تعیین‌کننده انرژی در محاسبات واشنگتن را آشکار می‌کند. به‌نظر می‌رسد همه چیز تا پاییز در حالت معلق قرار دارد. نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و انتخابات سراسری در اسرائیل، دورنمای بهتری از وضعیت آینده نشان خواهد داد.



«تروریست‌های» حماس و جهاد اسلامی را در خان‌یونس و نصیرات هدف قرار داده است. در همین حال مصر، امارات، قطر، عربستان سعودی، اردن، ترکیه، پاکستان و اندونزی در بیانیه‌ای مشترک هشدار دادند که رد طرح آمریکا از سوی اسرائیل، تلاش‌های ترامپ برای برقراری صلح را به خطر می‌اندازد. اکنون نقطه اصلی بحران روشن‌تر از همیشه است: واشنگتن تلاش می‌کند، حماس را به سمت خلع‌سلاح عملی سوق دهد، درحالی که اسرائیل، عقب‌نشینی خود را به تحقق همین هدف گره زده است.

دیدار مستقیم کوشش با رهبران حماس می‌تواند، آغاز تلاش جدی برای شکستن این بن‌بست باشد؛ اما تا زمانی که حماس درباره نحوه خلع‌سلاح و اسرائیل درباره زمان عقب‌نشینی به توافق نرسند، آتش‌بس غزه همچنان در فاصله‌ای شکننده میان مذاکره و جنگ قرار خواهد داشت.

خاورمیانه

ضربه سنگین انصارالله به عربستان

کشتی سعودی‌ها غرق شد

سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد: به لطف خدا، نیروهای مسلح یمن با موفقیت، یک ناوچه نظامی دشمن سعودی و چهار قایق نظامی همراه آن را در دریای سرخ در سواحل المنخا با تعدادی موشک بالستیک هدف قرار دادند. این حمله دقیق و مستقیم بود و منجر به انهدام کامل کشتی و غرق شدن چندین کشتی شد، درحالی که کشتی‌های باقی‌مانده نیز به آتش کشیده شدند. یحیی سریع افزود: نیروهای مسلح تأکید می‌کنند که تمام تحرکات و تجمعات نظامی دشمن سعودی را از نزدیک زیر نظر دارند و این تحرکات و تجمعات را چه در خشکی و چه در دریا هدف قرار خواهند داد. آنها همچنان به رعایت اصل «محاصره در برابر محاصره» ادامه خواهند داد و با توکل به خدا تمام تجمعات نظامی سعودی در هر کجا که باشند را هدف قرار خواهند داد. سخنگوی ارتش یمن تأکید کرد: به لطف خدا، نیروهای مسلح یک انبار اسلحه متعلق به نیروهای دشمن سعودی را در اردوگاه صحن الجن در استان مأرب با تعدادی پهپاد هدف قرار دادیم. این حمله به لطف خدا دقیق بود و منجر به آتش‌سوزی در اردوگاه شد. پیش از این روز دوشنبه منابع یمنی اعلام کردند، صدای دو انفجار در پی شلیک موشک از سوی ارتش یمن به سمت کشتی‌هایی در دریای سرخ شنیده شد. طبق این گزارش، نیروهای مسلح یمن یک بندر لجستیکی متعلق به عربستان سعودی در باب‌المندب را هدف قرار دادند. رسانه‌های دولتی یمن گزارش دادند: ارتش یمن پنج موشک بالستیک به سمت باب‌المندب شلیک کرد. در پی دوره اخیر به‌دنبال حملات عربستان به فرودگاه صنعا، تنش بین ریاض و صنعا شدت گرفته است. ارتش یمن پایگاه‌های متجاوزان در خاک این کشور و مناطق مرزی و تأسیسات عربستان را بارها هدف قرار داده است. یمن در روزهای اخیر زیرساخت‌های عربستان سعودی را نیز هدف حمله قرار داده بود که طی آن پالایشگاه جیزان در آرامکو از مدار تولید خارج شد.



وبترین

خانه‌ای روی آب

یادداشتی دربارهٔ **همیشه پسر** نوشته بهار کاتوزی

محمدحسین اسدی

منتقد ادبی

برگشتن بهانه می‌خواهد، به‌خصوص اگر از جایی فرار کرده باشید. با مزرعه و زمینت چه می‌کنی اگر آن‌را سبز نکنی؟ و با معنویت چه می‌کنی اگر هر روز، پیش از طلوع خورشید، ذھنت را جارو نکنی؟ هیچ فایده‌ای ندارد اگر از جایی پیش از حل مشکلات فلنگ را بسته باشی. محیط و آدم‌هایش، در انتهای یک نمای لانگ‌شات، آغوش‌شان را برایت باز نگه داشته‌اند تا خفت‌ها کنند.

ماجرادر «همیشه پسر» این‌گونه آغاز می‌شود: فرهاد، به بهانهٔ تولد مادرش، پس از حدود یک سال به خانهٔ پدری برمی‌گردد. اما همه‌چیز تغییر کرده است. خانه قدیمی‌تر شده، بیماری آلزایمر مادر پیشرفت کرده و پددرگرد پیری بر صورتش نشسته است و گربه‌هایی که در این خانه می‌میرند. بهار کاتوزی، در بیست‌وچند صفحهٔ ابتدای داستان، شما را پرت می‌کند به برزخ عذاب وجدان. اشک می‌ریزید، بغض می‌کنید و از خودتان می‌پرسید: چرا به دیدن مادر و پدرم نمی‌روم؟ شاید حتی یاد «داستان تکیو» یفتید و هزار ماجرای دیگر از ذهن‌تان عبور کند. اما ناگهان، آلزایمر، ناخودآگاه مادر را به گذشته پیوند می‌دهد و گذشته و حال را درهم می‌آمیزد. رازی سر به‌مهر که باید دفن می‌شد، حالا با بیماری فراموشی مادر فاش می‌شود. خانه‌ای که لوله‌هایش ترکیده و دیگر نشانی از زندگی ندارد و گویی سالیان سال است که بر روی آب استوار است، حالا با برملا شدن این راز، در آستانهٔ غرق شدن است. درست از همین لحظه، ریتم و موسیقی داستان تغییر می‌کند و شما دیگر همان خوانندهٔ چند صفحهٔ قبل نیستید. حالا دیگر جای و سیگار را کنار می‌گذارید و در حالی که لب‌تان را می‌گزید، منتظرید ببینید بارش کلمات کاتوزی، چه ارمغانی برای‌تان خواهد داشت.

نویسنده با بهره‌گیری از عناصری چون نشستی آب، جنازهٔ گربه‌ها، بیماری پارانو یا و آلزایمر، امکان حدس و گمان را از شما می‌گیرد. با این‌حال، شاید عنصر اصلی و نگهدارندهٔ داستان، مهارتی باشد که او در تعریف و نگهداشتن روایت «مکان» دارد. خانه در این داستان صرفاً یک پس‌زمینه نیست. مکانی کاربردی است که فضای حسی داستان را می‌سازد، ریتم روایت را تنظیم می‌کند و با پوسته‌های متعدّدش، اجازه نمی‌دهد خواننده به‌سادگی قضاوت کند. خانه به‌تدریج به موجودی زنده تبدیل می‌شود. چیزی که گذشته را در خود نگه داشته و هر بار از گوشه‌های، بخشی از آن را به رخ شخصیت‌ها و خواننده می‌کشد. دومین عاملی که به گیرایی داستان کمک می‌کند، زمان در روایت است. منعطف و شناور بودن زمان در «همیشه پسر» از دیگر نقاط قوت آن است. بی‌زمانی، هم‌زمانی و نشانه‌های زمانی، مثالی هستند که کاتوزی از آن برای تکمیل پازل حقیقت داستان استفاده می‌کند. همین بازی با زمان باعث می‌شود تا پایان، دست در دست نویسنده بدوید و هر بار که خیال می‌کنید به پاسخ نزدیک شده‌اید، با تکه‌ای تازه از حقیقت روبه‌رو شوید.

کاتوزی در این داستان، با توصیف و تصویرسازی‌هایش، برش‌هایی از یک فیلم و پلان‌های متعدد از یک روایت سینمایی را پیش چشم شما می‌سازد. مگر می‌شود مادری را که پشت به ما نشسته، تلویزیون تماشا می‌کند و سیگار می‌کشد، فراموش کرد؟ یا تصویر فریاد زدن فرهاد را، آن‌هم در حالی‌که ظاهراً همه‌چیز عادی است، ندید؟

این تصاویر در ذهن می‌مانند؛ نه فقط به‌خاطر آن‌که خوب توصیف شده‌اند، بلکه چون در ساختن فضای روانی داستان نقش دارند. خانه، صداها، اشیاء، گربه‌ها،

آب، سیگار و حتی سکوت‌ها، همه به

بخشی از روایت تبدیل می‌شوند. تمام این‌ها باعث می‌شود با داستانی جذاب و خوش‌ریتم روبه‌رو باشیم. داستانی که در توصیف و تصویرسازی توانمند است و به‌جای آن‌که صرفاً قصه‌ای را برای‌مان تعریف کند، ما را وارد فضای خودش می‌کند. «همیشه پسر» را که می‌خوانید، انگار به خانه‌ای بازگشته‌اید که سال‌هاست از آن فرار کرده‌اید؛ خانه‌ای که شاید دیوارهایش قدیمی شده باشند، آدم‌هایش تغییر کرده باشند و حافظه‌اش ترک برداشته باشد، اما هنوز چیزی در آن منتظر شماست. شاید همین است که برگشتن را این‌قدر دشوار می‌کند. این‌که بعضی خانه‌ها فقط خانه نیستند. گاهی تمام گذشته ما در آن‌ها منتظر ایستاده است.

همیشه پسر

بهار کاتوزی

نشر چشمه

۱۳۲ صفحه

۳۲۰۰۰ تومان



وقتی دانشجو بود، به‌واسطهٔ آشنایی دوستانش با پسر مدیر کتابفروشی لارستان، به این کتابفروشی رفت. می‌گوید: «محسن بهشتیان، مدیر این کتابفروشی، لیست کتاب داشت و آثاری را پیشنهاد می‌داد که تا آن زمان جرأت نداشتم به سمت آن‌ها بروم».

این آشنایی از سال ۱۳۷۸ شروع شد و این کتاب‌فروش به آن‌ها یاد داد، هر کتابی ارزش خواندن ندارد. حتی هر کتابی ارزش چاپ شدن ندارد. کتابفروشی لارستان کم‌کم برای شرمین نادری تبدیل شد به پاتوق، به خانه‌اش. جایی که آدم‌های کتاب‌خوان هم‌دیگر را پیدا می‌کردند. می‌گوید حتی پیش از فعالیت خودش و پیش از آشنایی با شورای کتاب کودک، کتابفروشی لارستان، ارسال کتاب داشته و در ترویج کتاب فعال بوده است.

شرمین نادری سال ۱۳۹۷، برای پژوهش فیلم‌نامهٔ حسین ریگی، فیلم‌ساز بلوچ ساکن زاهدان، همراه حدیث لزرغلامی و حسین شیخ‌الاسلامی از نویسندگان کودک و نوجوان، به سیستان و بلوچستان رفت. ریگی، آن‌ها را به کتاب‌خانهٔ عبدالحکیم بهار برد؛ کتاب‌خانه‌ای در روستای رمین، کمی دورتر از چابهار. چون قرار بود لوکیشن فیلم رمین باشد. کتاب‌خانه یک کانکس کوچک بود با چند قفسه کتاب. نادری به ایینا می‌گوید از وقتی وارد آن‌جا شده گویی دیگر از آن کتاب‌خانه بیرون نیامده است.

اعتقاد دارد که بچه‌های رمین از نظر آگاهی با پدر و مادرهای خود بسیار متفاوت بودند. فارسی را خوب صحبت می‌کردند. بلوچی را خوب می‌خواندند. سطح سواد و آگاهی‌شان چندین برابر خانواده‌هاست. همان‌جا فکر کرد شاید بتواند کاری انجام دهد. با ناشران ارتباط داشت. پس تصمیم گرفت از همین ارتباط استفاده کند. برای آن کودکان کتاب بفرستد. کتاب‌خانه‌ها را تجهیز کند. نویسنده‌ها را به

گزارش: سینمای ایران

کمی نور برای زندگی

گزارش ورایتی درباره آخرین ساخته علی عسگری

نخستین تصاویر فیلم جدید علی عسگری منتشر شد؛ فیلمی که پس از حضور «کمدی الهی» در بخش افق‌های ونیز، این‌بار سینماگر ایرانی را به مهم‌ترین رقابت جشنواره بازمی‌گرداند. علی عسگری، فیلم‌ساز ایرانی، در فاصله کوتاهی پس از حضور فیلم «کمدی الهی» در بخش افق‌های جشنواره ونیز، بار دیگر به این جشنواره بازمی‌گردد؛ این‌بار با فیلمی که نه‌تنها مهم‌ترین حضور او در کارنامه‌اش محسوب می‌شود، بلکه یکی از صریح‌ترین مواجهه‌های او با مفهوم نامیدی، زندگی و شرایط اجتماعی ایران معاصر است. «کمی نور» نخستین فیلم بلند عسگری است که به بخش مسابقه اصلی جشنواره فیلم ونیز راه یافته و قرار است ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۰ شهریور ۱۴۰۵) برای نخستین‌بار در جهان به نمایش درآید. در آستانه نمایش فیلم، مجله سینمایی ورایتی نخستین کلیپ آن‌را منتشر کرده و گزارشی درباره فیلم نوشته است؛ گزارشی که بخش‌هایی از فضای اثر و داستان پزشکی را آشکار می‌کند که پس از بازداشت و تعطیلی مطب‌اش، امید خود را به آینده از دست داده و تصمیم گرفته به زندگی خود پایان دهد. اما آنطور که در گزارش ورایتی آمده «کمی نور» صرفاً داستان مردی در آستانه خودکشی نیست. آنچه از توضیحات علی عسگری در این گزارش و درباره فیلم برمی‌آید، تلاش برای رسیدن به پرسشی بنیادی‌تر است «در شرایطی که رنج، ناامنی، فشار اقتصادی و سایه جنگ به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، چه چیزی می‌تواند انسان را به ادامه زندگی متقاعد کند؟

پزشکی در آستانه رفتن

داستان فیلم در ایران معاصر می‌گذرد. شخصیت اصلی، پزشکی به‌نام آرش با بازی میثاق زارع، پس از بازداشت و تعطیلی محل کارش، آینده را از دست‌رفته

نقاط دورافتاده ببرد. حتی کتاب‌خانه بسازد. از آن روز، بیشتر به سیستان و بلوچستان رفت. مناطق کم‌پرخوردار را دید و با خودش فکر کرد اگر امکانات آموزشی و بهداشتی عادلانه‌تر تقسیم شده بود، این سرزمین چقدر می‌توانست غنی باشد. از مردمش هم می‌گوید؛ از این‌که چقدر دوست‌داشتنی هستند.

کتاب حق همه است

نادری ادامه می‌دهد، در تهران ۶ نفر مروج کتاب هستند که با عنوان گروه «مهربانی» فعالیت می‌کنند و با حدود ۲۰ مروج در سراسر ایران ارتباط دارند. مردم برای آن‌ها به آدرس کتابفروشی لارستان، کتاب می‌فرستند. هر کسی که بخواهد کمک کند، با کتابفروشی در ارتباط است. حتی مدرسه ساخته‌اند، اما نقش خودشان بیشتر تسهیل‌گری بوده است. هر شخصی می‌تواند حتی با اهدای یک کتاب کمک کند. گروه آن‌ها با خبریه‌های مختلف همکاری دارد ازجمله بنیاد حکمت که خود نادری سفیر آن است.

در کتابفروشی لارستان، گاهی ۷۰ کارتن کتاب آماده ارسال می‌شود. بخش زیادی از کتاب‌ها اهدایی است. گاهی هم افرادی تماس می‌گیرند و می‌گویند می‌خواهند هزینه خرید کتاب را پرداخت کنند. نادری می‌گوید: «کمک می‌کنیم کتاب خوب و درست انتخاب شود و به‌دست کودک، نوجوان، بزرگ‌سال یا دانشجو برسد. ارسال کتاب دو بار در هفته انجام می‌شود. جاهایی که کتاب فرستاده می‌شوند دقیق بررسی شده‌اند. گزارش عملکرد را ۶ ماهه یا سالانه دریافت می‌کنیم. هر هفته هم که کتاب برای کتاب‌خانه‌ها ارسال می‌شود، در توییتر یا اینستاگرام بازتاب داده می‌شود. در طول سال با افرادی که برای آن‌ها کتاب فرستاده‌ایم، در ارتباط هستیم. براساس همین ارتباط‌ها مشخص می‌شود چه کسی واقعاً مروج کتاب است. مدام درخواست داریم و

با توجه به فعالیت سال، اولویت‌ها مشخص می‌شوند». روند فعالیت این‌گونه است که مدارس و کتاب‌خانه‌ها درخواست می‌کنند. آن‌ها برای شروع، یک کارتن کتاب می‌فرستند. نادری می‌گوید: «کتاب حق همه است؛ چه کاری کرده باشند و چه نکرده باشند». بعد گزارش‌ها را می‌خوانند. می‌بینند چه کتابی خوانده شده، کدام کتاب مورد علاقه بوده و چه کاری انجام شده. اگر ببینند مروج واقعاً فعالیت کرده، کتاب بیشتری می‌فرستند.

ترویج کتاب زیر بمباران

شرمین نادری دربارهٔ فعالیت در شرایط جنگ اخیر می‌گوید: «همیشه می‌گویم آتش جنگ، چراغ آموزش را خاموش می‌کند. انگار تمام این سال‌ها، آدم‌هایی مثل عبدالحکیم بهار، محبوبه نیک‌نظر و ده‌ها مروج دیگر، سعی کرده‌اند یک کار انجام دهند و نگذارند چراغ کتاب‌خانه‌ها، حتی وسط جنگ، خاموش بمانند، وقتی آتش جنگ می‌خواهد چراغ آموزش را خاموش کند. سال‌هاست در کتابفروشی لارستان، کتاب‌ها راهی روستاهای دور می‌شوند و به‌دست بچه‌هایی می‌رسند که شاید نزدیک‌ترین کتاب‌خانه به محل زندگی آن‌ها کیلومترها فاصله داشته باشد. سعی می‌کنیم مؤثر باشیم و کمک کنیم، چون در روستاهای دورافتاده دسترسی به مدرسهٔ آنلاین تقریباً ممکن نیست یا بسیار کم است و با شروع جنگ، آموزش عملاً متوقف می‌شود». بخش زیادی از کتاب‌خانه‌هایی که تجهیز کرده‌اند، حدود ۸۰ درصد، در مدارس بوده است. بخش کمتری هم به کتاب‌خانه‌های شخصی و کتاب‌خانه‌های بیرون از مدرسه مربوط می‌شود. می‌گوید: «وقتی آموزش و پرورش بعد از بمباران مدرسهٔ میناب اعلام کرد مدارس تعطیل باشند، طبیعی است کتاب‌خانه‌های مدرسه هم بسته شوند؛ اما

می‌کند، با اشاره به تهدیدهای دونالد ترامپ برای بمباران ایران می‌گوید: «این ترامپ هر روز تهدید می‌کند که اینجا را بمباران می‌کند». او سپس با نگرانی درباره پنجره‌های بزرگ اتاق اضافه می‌کند: «این شیشه‌ها هم خیلی بزرگند. خدا نکند خرد شوند و به تو آسیب بزنند»، همین گفت‌وگوی کوتاه، فضای فیلم را از یک درام خانوادگی فراتر می‌برد. خطر فقط در ذهن شخصیت اصلی نیست؛ بیرون از خانه نیز جهانی ناآرام وجود دارد که جنگ، تهدید و تحولات سیاسی را به بخشی از زندگی روزمره تبدیل کرده است. از همین منظر، تصمیم آرش برای پایان دادن به زندگی نیز در خلأ اتفاق نمی‌افتد. بحران شخصی او در بستری اجتماعی و سیاسی شکل گرفته است؛ جامعه‌ای که شخصیت‌های فیلم در آن با فشارهای اقتصادی اجتماعی، محدودیت و ترس از آینده زندگی می‌کنند.



یک اتاق و چند گلدان

کلیسی که ورایتی از فیلم منتشر کرده، بدون آنکه اطلاعات زیادی درباره روایت را فاش کند، تصویری فشرده از فضای اجتماعی و روانی «کمی نور» ارائه می‌دهد. در این صحنه، آرش در اتاقی حضور دارد و فرد دیگری به او کمک می‌کند تا گلدان‌ها و گیاهان را از اتاق خارج کند. در پس‌زمینه، صدای پرده‌های بالگرد شنیده می‌شود؛ صدایی که به‌ظاهر بخشی از زندگی روزمره شده اما در فضای فیلم معنایی تهدیدآمیز پیدا می‌کند. فردی که به پزشک کمک



گزارش: سینمای جهان

مقاومت با پیژامه

درباره مستند «همه به سوی خیابان کنمور» ساخته بوستوس سیرا

همسایه‌ای با لباس خواب، یک امام جماعت محلی، یک دانش‌آموز و فعال ناشناس معروف به «مرد ون»: آنها و بسیاری دیگر ایستادگی کردند. بوستوس سیرا، کارگردان فیلم «همه به سوی خیابان کنمور» و برنده جایزه، درباره نبرد خیابان کنمور توضیح می‌دهد که چگونه این فیلم برای جبران غیبت خودش ساخته شده است. صبحی روشن در بهار ۲۰۲۱ بود؛ زمانی‌که نیروهای اداره مهاجرت بریتانیا، روز عید فطر را برای یورش به خانه‌ای در متنوع‌ترین منطقه شهر گلاسگو انتخاب کردند تا دو مرد ساکن آنجا را بازداشت کنند. اما هشت ساعت بعد، این دو مرد به جامعه خود بازگشتند؛ نتیجه یکی از خودجوش‌ترین و مؤثرترین اقدامات مقاومت مدنی در سال‌های اخیر. صدها نفر از ساکنان محلی، ون نیروهای مهاجرت را محاصره کردند و مانع حرکت آن شدند. پنج سال بعد، در شرایطی که نگرش‌ها نسبت به بازداشت مهاجران در سراسر بریتانیا سخت‌گیرانه‌تر شده و خشونت علیه معترضان در آمریکا افزایش یافته است، مستند «همه به سوی خیابان کنمور» به کارگردانی فلیپه بوستوس سیرا داستان آن روز استثنایی را روایت می‌کند.

فیلم «همه به سوی خیابان کنمور» که هم کالبدشکافی دقیق یک اعتراض خیابانی است و هم نامه‌ای عاشقانه به مفهوم اجتماع و همبستگی، تاکنون جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ساندنس را دریافت کرده است. فیلم نشان می‌دهد وقتی گروهی از افراد غریبه تصمیم می‌گیرند «امروز همان روزی است که باید تغییر ایجاد کنیم»، چه اتفاقی رخ می‌دهد و این تصمیم چگونه زندگی آنها را پس از آن روز تغییر می‌دهد. بخش عمده فیلم از تصاویری تشکیل شده که خود شرکت‌کنندگان در آن روز ثبت کرده‌اند؛ تصاویری که از شبکه‌های اجتماعی و آرشیو شخصی افراد جمع‌آوری شده و سپس طی چهار سال و نیم با دقت فراوان تدوین شده‌اند تا صحنه اعتراض از تمام زاویه‌های ممکن بازسازی شود. این فیلم پاسخی دقیق به اطلاعات نادرست و روایت‌های تحریف‌شده‌ای است که اغلب درباره منابع آنلاین مطرح می‌شود.

در آن روز سرعت بسیج مردم اتفاقی عجیب بود، سرعتی که نشانه‌ای از شبکه‌های گسترده فعالان اجتماعی در جنوب گلاسگو داشت. شبکه‌هایی که بیش از یک قرن در این منطقه ریشه دارند. اما همه کسانی که به این فراخوان پاسخ دادند، فعالان حرفه‌ای اعتراض نبودند. فلیپه بوستوس سیرا در مصاحبه‌های آرام و انسانی خود، چهره‌هایی را معرفی می‌کند که هر کدام به دلایلی متفاوت به خیابان آمدند: همسایه‌ای که با لباس خواب به خیابان دوید؛ فعال اجتماعی‌ای که یک پیام هشدار دریافت کرد؛ امام جماعت محلی؛ دانش‌آموزی که در راه کلاس زیست‌شناسی بود. همه آنها توسط نیروی کششی یک اتفاق واحد به آنجا کشیده شدند. همچنان این پرسش باقی است که آیا وزارت کشور بریتانیا درباره تحریک‌آمیز بودن انجام چنین عملیاتی در روز عید فطر فکر کرده بود یا نه. با گذشت ساعات روز، ایستگاه اتوبوس نزدیک محل اعتراض به یک مرکز کوچک پشتیبانی تبدیل شد؛ پر از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌هایی که مردم اهدا کرده بودند، حتی کیک عید یک نفر.

بوستوس سیرا، کارگردان فیلم می‌گوید: «چیزی که خیلی‌زود توجه مرا جلب



کرد، شبکه امنیتی‌ای بود که پشت همبستگی وجود داشت». او که در بلژیک بزرگ شده و پدر شیلیایی‌اش پس از کودتای خونین پینوشه در سال ۱۹۷۳ از کشورش گریخته بود، معتقد است اعتراض کنمور تحت‌تأثیر جنبش جان سیاه‌پوستان مهم است، تغییری عملی در شیوه اعتراض‌های اجتماعی ایجاد کرد. اما فیلم و خود اعتراض، ریشه در تاریخ گلاسگو نیز دارند. کارگردان در بخش‌هایی کوتاه از تصاویر آرشیوی اعتصاب‌های اجاره‌نشینان و اشغال کارخانه‌های کشتی‌سازی استفاده می‌کند. نخستین فیلم بلند موفق او، «نه پاساران» نیز داستان مشابهی درباره تأثیر جهانی شجاعت محلی روایت می‌کرد؛ فیلمی درباره کارگران اسکاتلندی کارخانه رولزرویس که در اعتراض به حکومت پینوشه در شیلی، از تعمیر موتورهای هواپیماهای نیروی هوایی این کشور خودداری کردند. بوستوس سیرا درباره نسل جوان فعالانی که در اعتراض کنمور حضور داشتند، می‌گوید: «آنها در کنار کسانی ایستاده بودند که دهه‌ها این کار را انجام داده‌اند». البته فیلم تلاش نمی‌کند گذشته پیچیده گلاسگو را پنهان کند. این شهر با تاریخ تجارت برده در اقیانوس اطلس نیز پیوند دارد. البته کل این اعتراض به یک اقدام شجاعانه وابسته بود؛ اقدامی که یک فعال اجتماعی ناشناس انجام داد. او صبح همان روز، خود را زیر ون نیروهای مهاجرت رساند و دستش را دور محور خودرو حلقه کرد تا مانع حرکت آن شود. او که از آن زمان تاکنون هویتش را فاش نکرده، نمی‌خواهد به یک قهرمان فردی تبدیل شود. در فیلم، روایت او با صدای اما تامپسون، بازیگر مشهور بریتانیایی، شنیده می‌شود؛ کسی که از فیلم قبلی بوستوس سیرا، «نه پاساران»، تمجید کرده و تهیه‌کننده اجرایی این پروژه است. در یکی از جذاب‌ترین لحظات فیلم، تامپسون که جلوی دوربین در نقش «مرد ون» زیر شاسی خودرو قرار گرفته، ماسکش را پایین می‌کشد و می‌گوید: «این صورت من نیست، اما این کلمات من است».

با وجود اینکه بوستوس سیرا در فاصله کمی از محل اعتراض زندگی می‌کرد، خودش در آن روز به خیابان نرفت. او اعتراف می‌کند: «فکر نمی‌کردم اتفاق مثبتی از آن بیرون بیاید». اما اکنون این فیلم را نوعی جبران برای آن غیبت می‌داند: «او باید به‌یاد داشته باشیم: اگر حاضر نشویم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. من آن شادی جمعی و آن ابراز همدلی را از دست دادم؛ چیزی که برای من معنای خوشبختی دارد. نکته این است که فقط باید همچنان حاضر شویم».

شخصی مانند محبوبه نیک‌نظر در زابل، در تمام دوران جنگ، در کتاب‌خانه خصوصی و دور از مدرسه خود را باز گذاشت. بچه‌ها می‌آمدند؛ درست در روزهایی که شرایط جنگی بود و حال روحی خوبی نداشتند. خوشبختانه بچه‌ها چیزی دارند که ما بزرگ‌ترها کم کم فراموشش می‌کنیم؛ توانایی زندگی کردن در لحظه. بچه می‌تواند همان لحظه بازی کند، بخندد و لذت ببرد. حیف است به‌خاطر جنگ و رنج خودمان کتاب و آگاهی را از بچه‌ها دریغ کنیم. شاید اگر بچه‌ها زندگی بهتر و کودکی کم رنج‌تری داشته باشند و احساس نکنند در حق‌شان کوتاهی شده، آینده مملکت هم بهتر شود».

نادری از افرادی می‌گوید که روز اولی که به روستا رفتند، اصلاً نمی‌دانستند ترویج کتاب چیست؟ در کودکی کتاب نخوانده بودند، بازی فکری ندیده بودند و حتی اسباب‌بازی نداشتند؛ اما در جلسات خبریه شرکت می‌کردند. مروجان اول باید خودشان کتاب بخوانند؛ بعد با بچه‌ها کار کنند و وقتی می‌بینند سطح آموزشی بیشتر شده و اتفاق خوبی افتاده، خودشان بگیر و همراه می‌شوند. این همان چیزی است که او اسمش را می‌گذارد «تسهیل‌گری». وقتی بحث به فضای مجازی و بلاگرهای کتاب می‌رسد می‌گوید: «به‌جای این که همه‌چیز را سرزنش کنیم و بگویم فضای مجازی بد است یا اینستاگرام برای بچه‌ها مناسب نیست، چرا خوراک خوب در اختیارشان نگذاریم؟ کتاب خوب، پادکست خوب، قصه خوب در فضای مجازی. کتاب حتماً نباید کاغذی باشد. خوراک باید سالم باشد. خوراک باید کارشناسی‌شده باشد. بچه‌ای که وارد فضای مجازی می‌شود، باید به محتوایی دسترسی داشته باشد که تألیف شده و تدوین شده باشد؛ محتوایی که به رشد ذهنی‌اش کمک کند». تأکید می‌کند اگر کتاب‌خوانی گاهی برای بعضی‌ها «یز» است، اشکالی ندارد. چه بهتر که کتاب خواندن و کار فرهنگی یز باشد. می‌گوید آدم‌هایی را دیده که دوست دارند نشان بدهند کتاب می‌خوانند. به نظر او، حتی اگر انگیزه‌شان یز دادن باشد، باز هم اتفاق بدی نیست. شرمین نادری معتقد است کتاب بهانه‌ای است برای این که آدم‌ها یکدیگر را ببینند و حرف هم را بشنوند و می‌گوید: «همه ما یک زبان مشترک داریم؛ کتاب و قصه. این زبان مشترک ما را مجبور می‌کند حرف یک‌دیگر را گوش کنیم. حتی اگر به حرف هم عمل نکنیم، دست‌کم یکدیگر را می‌شنویم. شاید همین شنیدن، همان‌جایی باشد که ترویج کتاب را به ترویج صلح وصل می‌کند».



خودشان تبدیل به «کتاب‌خانه مادر» شده‌اند. کژال پیگلری در سندرچ، یکی از آن‌هاست که با سه، چهار کتاب‌خانه روستایی در ارتباط است و بر اساس تشخیص خودش کتاب‌ها را به آن کتاب‌خانه‌ها می‌فرستد. مقصد کتاب‌های ارسالی، کردستان، خراسان، آذربایجان‌غربی، خوزستان، هرمزگان و بیشتر از همه سیستان و بلوچستان است. می‌گوید حتی اسفند، وقتی وضعیت جنگی بسیار شدید بود و شرکت پست فعالیت نمی‌کرد، نزدیک عید نوروز توانستند کتاب و وسایل بفرستند. اگر هم پست نباشد، باربری جای آن را می‌گیرد. حدود یک ماه در ارسال اختلال ایجاد شده اما در فروردین شرکت پست دوباره فعالیت داشته و کار متوقف نشده است.

حواس‌مان باشد جنگ بزرگ، جنگ‌های کوچک‌تر نسازد

به نظر شرمین نادری، آگاهی مهم‌تر از کتاب است. ثابت شده بچه‌هایی که به کتاب دسترسی دارند، سوادشان بهتر است و ارتباط راحت‌تری برقرار می‌کنند. اما مهم‌تر از همه این است که وقتی قصه آدم‌های دیگر را می‌دانند، ارتباط‌شان با دیگران از جنس صلح می‌شود و معتقد است: «مروجان کتاب‌خوانی، سرباز صلح هستند. وسط جنگ هم سرباز صلح باید تلاش خودش را انجام دهد. باید حواس‌مان باشد جنگ بزرگ، جنگ‌های کوچک‌تر نسازد؛ مبادا رنج بچه‌ها آن قدر زیاد شود که دیگر نخواهند آموزش را ادامه بدهند.

ششمین فیلم عسگری

«کمی نور» ششمین فیلم بلند علی عسگری است؛ فیلم‌سازی که در سال‌های اخیر، حضور مستمری در مهم‌ترین جشنواره‌های سینمای جهان داشته است. او فعالیت خود را در سینمای بلند با «ناپدید شدن» در سال ۲۰۱۷ ادامه داد؛ فیلمی که در جشنواره ونیز به نمایش درآمد. سپس «تا فردا» در سال ۲۰۲۲ در جشنواره برلین ارائه شد. در سال ۲۰۲۳، «آیه‌های زمینی» که عسگری آن را با علیرضا خاتمی ساخت، در بخش نوعی نگاه جشنواره کن انتخاب شد. «بالا‌تر از ابرهای اسیدی» نیز در سال ۲۰۲۴ در جشنواره مستند آمستردام حضور داشت. در ادامه گزارش آمده: سال گذشته، «کمدی الهی» از همین کارگردان در بخش افق‌های جشنواره ونیز به نمایش درآمد؛ فیلمی که ادامه حضور عسگری در فضای سینمای مستقل و اجتماعی ایران را تثبیت کرد. اکنون «کمی نور» یک گام فراتر رفته و به مسابقه اصلی ونیز رسیده است؛ جایی‌که فیلم برای دریافت شیر طلایی با آثار دیگر فیلم‌سازان جهان رقابت خواهد کرد.

تولیدی فراتر از مرزهای ایران

«کمی نور» محصول مشترک ایران، سوئیس، کانادا، ایتالیا و ترکیه است و شرکت‌های سون اسپرینگر پیکچرز،

درباره اندوه نیست

با این‌حال، عسگری تأکید دارد که «کمی نور» را نباید فیلمی درباره مرگ یا اندوه دانست. او در یادداشت خود تصریح می‌کند که فیلم درباره «پیوندهای نامرئی»ای است که زندگی را ارزشمند می‌کنند. از نگاه او، این پیوندها الزاماً در اتفاقات بزرگ و دراماتیک ظاهر نمی‌شوند. گاهی یک رفتار ساده، حضوری آشنا، سکوتی مشترک یا لمس دست مادر می‌تواند معنایی ایجاد کند که فرد را از مرز ناامیدی بازگرداند. عسگری درباره زندگی در ایران می‌گوید که دشواری اقتصادی، رویدادهای سیاسی و سایه جنگ به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده است. با این‌حال، آنچه او در این شرایط مشاهده کرده، تنها رنج و فرسودگی نیست؛ بلکه ادامه مراقبت انسان‌ها از یکدیگر و خلق لحظه‌های کوچک امید است. این نگاه، فیلم را در مرز میان یک درام اجتماعی و یک تأمل انسانی قرار می‌دهد. در گزارش ویرایتی درباره این فیلم آمده: «کمی نور» از یک‌سو به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران معاصر اشاره می‌کند و از سوی دیگر، تلاش دارد از یک بیانیه سیاسی فراتر برود و به تجربه‌ای انسانی‌تر برسد؛ اینکه چگونه ممکن است فردی در تاریک‌ترین لحظه زندگی خود، به‌واسطه رابطه با دیگری، دوباره معنایی برای ادامه دادن پیدا کند.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

غلبه خریداران

چرا بیش از ۵۰۰ نماد بورس تهران در صف خرید قرار گرفتند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بورس تهران در دومین روز هفته صحنه‌ای کم‌سابقه از برتری خریداران بود. از همان دقایق ابتدایی معاملات تقاضا در بخش بزرگی از بازار دست بالا را داشت و هرچه به پایان بازار نزدیک شدیم، فاصله میان خریداران و فروشندگان بیشتر شد. حاصل این وضعیت، رشد بیش از ۲ درصدی هر دو شاخص اصلی، سبزپوشی بیش از ۷۶۰ نماد و تشکیل بیش از ۵۰۰ صف خرید بود. با این حال شاید مهم‌ترین اتفاق معاملات دیروز نه در تابلو شاخص‌ها بلکه در جریان نقدینگی رخ داد؛ جایی که بیش از ۵ هزار میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد و همزمان نزدیک به ۲ هزار میلیارد تومان از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد.

معاملات بورس تهران دیروز دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ با رشد قدرتمند شاخص‌های اصلی به پایان رسید. شاخص کل با افزایش ۱۳۱ هزار و ۵۷۱ واحدی معادل ۲۰۲۸ درصد به سطح ۵ میلیون و ۸۹۷ هزار و ۹۴۹ واحد رسید و در آستانه ورود به کانال ۵.۹ میلیون واحد قرار گرفت. شاخص هم‌وزن نیز همپای شاخص کل حرکت کرد و با رشد ۲۶ هزار و ۵۱۷ واحدی معادل ۲۰۲۴ درصد، در سطح یک میلیون و ۶۶۴ هزار و ۵۸۰ واحد ایستاد. نزدیک بودن درصد رشد دو شاخص، پیام مهمی درباره ترکیب معاملات دیروز دارد. تقاضا برخلاف برخی دوره‌های صعودی، تنها در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز متمرکز نبود و شرکت‌های کوچک و متوسط نیز سهم قابل‌توجهی از موج صعودی بازار داشتند. به همین دلیل می‌توان معاملات دیروز را صعودیِ فراگیر در بخش عمده بازار توصیف کرد.
آمار نمادهای مثبت و منفی نیز گستردگی تقاضا را تأیید می‌کند. در پایان معاملات ۷۶۲ نماد در محدوده مثبت قرار داشتند و تنها ۶۷ نماد با کاهش قیمت مواجه شدند. به این ترتیب تعداد نمادهای مثبت بیش از ۱۱ برابر نمادهای منفی بود. وضعیت صف‌های خرید و فروش حتی تصویر روشن‌تری از برتری تقاضا ارائه می‌دهد. در پایان بازار ۵۳۳ نماد صف خرید داشتند، درحالی که تعداد نمادهای دارای صف فروش تنها ۱۴ مورد بود. ارزش سفارش‌های خرید نیز به ۱۳ هزار و ۷۶۰ میلیارد تومان رسید اما در مقابل ارزش سفارش‌های فروش تنها ۳۸۰ میلیارد تومان بود. چنین فاصله‌ای میان سفارش‌های خرید و فروش نشان می‌دهد که بخش بزرگی از تقاضای شکل‌گرفته در بازار بدون عرضه متناظر باقی مانده است.
مهم‌ترین متغیر معاملات دیروز را می‌توان، جریان ورود پول حقیقی دانست. در پایان معاملات ۵ هزار و ۱۳۴ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی وارد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی شد؛ رقمی که از افزایش محسوس تمایل سرمایه‌گذاران حقیقی به حضور در بازار سهام حکایت دارد. همزمان صندوق‌های درآمد ثابت با خروج یک هزار و ۹۴۸میلیارد تومان پول مواجه شدند. کنار هم قرار دادن این دو عدد اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا بخشی از نقدینگی در حال خروج از دارایی‌های کم‌ریسک و حرکت به سمت بازار سهام است. تداوم این روند می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل حمایت‌کننده از بازار در روزهای آینده باشد. برتری خریداران در سرانه معاملات نیز قابل مشاهده بود. سرانه خرید حقیقی‌ها به ۹۰.۴ میلیون تومان رسید درحالی که سرانه فروش ۷۲.۶ میلیون تومان بود. قدرت خرید حقیقی نیز در سطح ۱۰.۲۵ قرار گرفت که نشان‌دهنده دست‌بالا تر خریداران در معاملات دیروز است. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی دیروز به ۲۶ هزار و ۷۷۷ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز ۶۴.۳ میلیارد سهم ثبت شد. ارزش معاملات نسبت به روز گذشته، کاهش داشت اما در شرایط فعلی این کاهش لزوماً نشانه تضعیف تقاضا نیست. وقتی ۵۳۳ نماد در صف خرید قرار دارند، بخش قابل‌توجهی از تقاضای بازار امکان تبدیل شدن به معامله را پیدا نمی‌کند. کمبود عرضه سبب می‌شود، بخشی از خریداران پشت صف‌ها باقی بمانند و در نتیجه با وجود تقاضای بالا، گردش معاملات محدود شود. بنابراین کاهش ارزش معاملات دیروز را باید در کنار تعداد بالای صف‌های خرید، ورود بیش از ۵ همت پول حقیقی و فاصله چشمگیر میان سفارش‌های خرید و فروش تحلیل کرد. مجموعه این متغیرها نشان می‌دهد که کاهش ارزش معاملات بیش از آنکه حاصل عقب‌نشینی خریداران باشد، نتیجه کمبود عرضه در بازاری است که فعلاً تقاضا در آن دست بالا را دارد. اکنون مسئله اصلی برای ادامه مسیر بورس این است که با افزایش احتمالی عرضه‌ها در روزهای آینده، قدرت خریداران تا چه اندازه حفظ خواهد شد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

جنگ بر سر لیتیوم

رقابت بر سر مواد معدنی حیاتی، چگونه مسیر اقتصاد جهان را تغییر می‌دهد؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

روایت‌های اغراق‌آمیز درباره جنگ بر سر معادن کم نیستند. یک روز شایع می‌شود، دریاچه ارومیه را عمداً خشک کرده‌اند تا لیتیوم آن را استخراج کنند و روز دیگر حمله آمریکا به افغانستان به ذخایر لیتیوم این کشور نسبت داده می‌شود. ادعاهایی که شواهد کافی برای اثبات آنها وجود ندارد. اما پشت این روایت‌های توطئه‌آمیز، واقعیتی جدی‌تر در حال شکل‌گیری است. آمریکا و اروپا نگران تسلط چین بر فرآوری عناصر خاکی کمیاب هستند. واشنگتن و پکن برای نفوذ در معادن مس و کبالت کنگو رقابت می‌کنند. آمریکا و دانمارک برای جلوگیری از واگذاری یک پروژه بزرگ عناصر خاکی کمیاب گرینلند به سرمایه‌گذاران چینی وارد عمل شده‌اند و هند برای دسترسی به لیتیوم شیلی و آرژانتین سرمایه‌گذاری می‌کند. حتی جمهوری دموکراتیک کنگو که در سال ۲۰۲۵ حدود ۷۴ درصد کبالت معدنی جهان را تولید می‌کرد از محدودیت صادرات برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود استفاده کرده است.

بنابراین اگرچه بسیاری از داستان‌های مربوط به «جنگ پنهان معادن» اغراق‌آمیزند، اصل رقابت دیگر افسانه نیست. چین در سال‌های اخیر برای برخی عناصر خاکی کمیاب و مواد مورد نیاز زنجیره باتری، محدودیت صادراتی وضع کرده و آسیب‌پذیری صنایع خودرو، فناوری و دفاعی کشورهای دیگر را آشکار کرده است. جهان آرام‌آرام وارد دوره‌ای شده که در آن امنیت اقتصادی فقط با دسترسی به نفت و گاز تعریف نمی‌شود. مس، لیتیوم، کبالت، گرافیت و عناصر خاکی کمیاب نیز به منابع قدرت تبدیل شده‌اند. پریش این است که آیا معادن حیاتی همان نقشی را در ژئوپلیتیک قرن بیست‌ویکم خواهند داشت که نفت در قرن بیستم داشت؟

برای بیش از یک قرن هر جا سخن از ژئوپلیتیک انرژی بود، نام نفت به میان می‌آمد. قدرت‌های بزرگ برای دسترسی مطمئن به نفت، سیاست خارجی طراحی می‌کردند، مسیرهای انتقال آن اهمیت استراتژیک پیدا می‌کرد و خاورمیانه به دلیل در اختیار داشتن بخش بزرگی از ذخایر نفت جهان به یکی از کانون‌های اصلی رقابت قدرت‌ها تبدیل شد. اکنون در کنار نفت، گروه دیگری از منابع طبیعی آرام‌آرام وارد محاسبات ژئوپلیتیک شده‌اند: لیتیوم، مس، نیکل، کبالت، گرافیت، عناصر خاکی کمیاب و ده‌ها ماده معدنی دیگر که بدون آنها ساخت باتری، خودروی برقی، توربین بادی، شبکه برق، نیمه‌رسانا، تجهیزات نظامی و بسیاری از فناوری‌های پیشرفته دشوار یا ناممکن است. همین وابستگی سبب شده، رقابتی که زمانی عمدتاً بر سر چاه‌های نفت جریان داشت امروز به معادن و مهم‌تر از آن به کارخانه‌های فرآوری و پالایش مواد معدنی نیز کشیده شود. آژانس بین‌المللی انرژی در تا‌زترین گزارش خود که در ژوئیه ۲۰۲۶ منتشر شد هشدار داده است که مواد معدنی حیاتی اکنون در مرکز مباحث امنیت انرژی، امنیت اقتصادی و امنیت ملی قرار گرفته‌اند. در سال ۲۰۲۵ نیز محدودیت‌های صادراتی نشان داد، تمرکز زنجیره تأمین این مواد دیگر فقط یک خطر فرضی نیست.

اصلا ماده معدنی حیاتی چیست؟

اصطلاح Critical Minerals را بهتر است «مواد معدنی حیاتی» ترجمه کرد نه صرفاً مواد معدنی کمیاب یا خاص. حیاتی بودن الزاماً به معنای کمیاب بودن یک ماده در پوسته زمین نیست. یک ماده زمانی

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

کار بازار

چرا باید تحول ساختاری اقتصاد را به نیروهای بازار سپرد؟

جمشید پیشقدم
گروه اقتصاد

تحول ساختاری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه اقتصادی است. کشورهای فقیر معمولاً بخش بزرگی از نیروی کار و منابع خود را در فعالیت‌هایی با بهره‌وری پایین به کار می‌گیرند. با توسعه اقتصاد، سرمایه و نیروی کار به‌تدریج از کشاورزی سنتی و فعالیت‌های کم‌بازده به صنعت سپس خدمات مدرن و فعالیت‌های دانش‌بنیان منتقل می‌شوند. پریش مهم این است که چه کسی باید جهت این حرکت را تعیین کند، دولت یا بازار؟ استدلال اصلی طرفداران بازار از مسئله اطلاعات آغاز می‌شود. هیچ دولت یا نهاد برنامه‌ریزی نمی‌تواند به اندازه میلیون‌ها تولیدکننده، مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار دربارۀ نیازهای بازار، هزینه تولید، فناوری و فرصت‌های اقتصادی اطلاعات داشته باشد. قیمت‌ها این اطلاعات پراکنده را منتقل می‌کنند. افزایش قیمت یا سودآوری یک محصول به سرمایه‌گذاران علامت می‌دهد

حیاتی می‌شود که اقتصاد یا امنیت ملی به آن وابستگی زیادی داشته باشد و همزمان زنجیرۀ تأمین آن در برابر اختلال آسیب‌پذیر باشد. به همین دلیل فهرست مواد حیاتی کشورها یکسان نیست و با تغییر فناوری و مناسبات ژئوپلیتیک تغییر می‌کند. سازمان زمین‌شناسی آمریکا در فهرست نهایی سال ۲۰۲۵ خود ۶۰ ماده را حیاتی طبقه‌بندی کرده است. در میان این فهرست بلندبالا چند گروه اهمیت بیشتری دارند. لیتیوم قلب بسیاری از باتری‌های قابل شارژ است. نیکل و کبالت در برخی شیمی‌های باتری و آلیاژهای پیشرفته کاربرد دارند. گرافیت ماده مهم آند باتری‌هاست. مس تقریباً همه جا در اقتصاد برقی آینده حضور دارد؛ از شبکه انتقال برق تا خودرو برقی و مراکز داده. عناصر خاکی کمیاب مانند تنودیمیم، دیسپروزم و تریموم برای آهنرباهای دائمی مورد استفاده در موتورهای برقی، توربین‌های بادی و تجهیزات پیشرفته اهمیت دارند. گالیوم و ژرمانیوم نیز در نیمه‌رساناها و صنایع پیشرفته کاربرد دارند. اگر قرار باشد از میان آنها چند ماده را برای اقتصاد آینده انتخاب کنیم، مس، لیتیوم، گرافیت و عناصر خاکی کمیاب در ردیف نخست قرار می‌گیرند. البته پاسخ به این پرسش به فناوری بستگی دارد. تغییر فناوری باتری می‌تواند، اهمیت کبالت یا نیکل را کاهش دهد اما جایگزین کردن مس در شبکه‌های عظیم برق بسیار دشوارتر است.

لیتیوم نفت آینده است؟

تعبیر «لیتیوم، نفت آینده» جذاب است اما از نظر اقتصادی چندان دقیق نیست. نفت سوختی است که پس از مصرف از بین می‌رود و اقتصاد جهانی باید دائماً آن را استخراج کند. فلزات چنین نیستند؛ مس، لیتیوم یا نیکل پس از استفاده در خودرو یا باتری از بین نمی‌روند و در صورت وجود فناوری و زیرساخت مناسب می‌توان آنها را بازیافت کرد. این تفاوت بنیادی سبب می‌شود که اقتصاد مواد معدنی حیاتی دقیقاً شبیه اقتصاد نفت نباشد. از سوی دیگر احتمالاً هیچ ماده‌ای به تنهایی جای نفت را نخواهد گرفت. اقتصاد انرژی جدید به سبندی از مواد معدنی وابسته خواهد بود. آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند در سناریوی سیاست‌های اعلام شده، تقاضای مواد معدنی کلیدی تا سال ۲۰۴۰ تقریباً دو برابر شود. تقاضای لیتیوم بیش از سه برابر می‌شود و تقاضای نیکل، گرافیت و عناصر خاکی کمیاب بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد. مس از نظر حجم افزایش تقاضا، جایگاه ویژه‌ای دارد و تا ۲۰۴۰ حدود ۷ میلیون تن به تقاضای آن اضافه می‌شود. بنابراین شاید تعبیر دقیق‌تر این باشد: مس گ‌های اقتصاد برقی است، لیتیوم یکی از کلیدهای ذخیرۀ انرژی و عناصر خاکی کمیاب از اجزای حساس ماشین‌آلات اقتصاد جدید هستند.

چرا رقابت سیاسی شده است؟

مشکل جهان فقط مقدار ذخایر نیست. مشکل اصلی تمرکز جغرافیایی زنجیرۀ تأمین است. در اقتصاد نفت، کشورهای متعددی نفت تولید می‌کنند و پالایشگاه‌ها در نقاط مختلف جهان وجود دارند. اما در برخی مواد معدنی حیاتی، استخراج در چند کشور و فرآوری در تعداد حتی کمتری از کشورها متمرکز شده است. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید یک کشور در پالایش ۱۹ مورد از ۲۰ ماده استراتژیک مرتبط با انرژی موقعیت مسلط دارد و متوسط سهم آن حدود ۷۰ درصد است. در بسیاری از این موارد، آن کشور چین است. این تمرکز در بخش‌هایی مانند گرافیت و عناصر خاکی کمیاب بسیار شدید است. چین تا سال ۲۰۳۵ نیز طبق پروژۀ‌های موجود احتمالاً بیش از ۶۰ درصد لیتیوم و کبالت تصفیه شده و حدود ۸۰ درصد گرافیت باتری و عناصر خاکی کمیاب فرآوری

شده را تأمین خواهد کرد. این همان جایی است که معدن به ژئوپلیتیک تبدیل می‌شود. محدودیت صادرات چند ماده با حجم تجارت نسبتاً کوچک می‌تواند، کارخانه‌هایی با صدها میلیارد دلار تولید را مختل کند. آژانس بین‌المللی انرژی برآورد کرده است که اجرای کامل محدودیت‌های مربوط به عناصر خاکی کمیاب می‌تواند، سالانه حدود ۶.۵ تریلیون دلار تولید پایین‌دستی خارج از چین را در صنایع خودرو، فناوری پیشرفته، دفاع و انرژی در معرض خطر قرار دهد.

خاورمیانه وارد عصر معدن می‌شود

برای خاورمیانه این تحول هم تهدید است و هم فرصت. منطقه‌ای که اهمیت ژئوپلیتیکش در قرن بیستم عمدتاً از نفت و گاز ناشی می‌شد اکنون تلاش می‌کند در اقتصاد معدنی جدید نیز جایگاهی پیدا کند. عربستان سعودی جدی‌ترین نمونه است. ریاض، معدن را یکی از پایه‌های تنوع‌بخشی اقتصاد پس از نفت معرفی کرده و ارزش ثروت معدنی بالقوه کشور را حدود ۲.۵ تریلیون دلار برآورد کرده است؛ البته این رقم ارزش تخمینی منابع زیرزمینی است و نباید آن را با ذخایر اثبات شده یا درآمد قابل تحقق یکی دانست. عربستان دارای بوکسیت، مس، طلا، روی، فسفات و مواد معدنی دیگر است. داده‌های USGS نشان می‌دهد این کشور در سال ۲۰۲۳ حدود ۵.۴ میلیون تن بوکسیت استخراج کرده و محتوای مس کنسنتره تولیدی آن حدود ۷۲ هزار تن بوده است. اما جاذبه‌ی عربستان فقط استخراج نیست. هدف بزرگ‌تر قرار گرفتن در میانه زنجیرۀ ارزش است؛ یعنی فرآوری، پالایش و جذب سرمایه‌گذاری معدنی. این همان درسی است که تجربه نفت نیز نشان می‌دهد: مالکیت منبع طبیعی به تنهایی تضمین‌کنندۀ قدرت اقتصادی نیست. عمان نیز سابقه طولانی در استخراج مس و کرومیت دارد و توسعه بخش معدن را بخشی از برنامه تنوع‌بخشی اقتصادی خود قرار داده است. ترکیه در منطقه از جایگاه بسیار مهمی در بور برخردار است و علاوه بر آن پروژه‌هایی برای توسعه عناصر خاکی کمیاب دنبال می‌کند. اردن نیز با ذخایر و تولید فسفات و پتاس، جایگاه قابل‌توجهی در مواد اولیه کودهای شیمیایی دارد؛ موادی که امنیت غذایی به آنها وابسته است.

ایران کجای نقشه قرار دارد؟

ایران از نظر تنوع زمین‌شناسی کشور فقیری نیست. مس مهم‌ترین دارایی ایران در بحث مواد معدنی حیاتی است. گزارش تازه USGS درباره صنعت معدنی ایران می‌گوید، ذخایر اثبات شده و احتمالی سنگ مس ایران در سال ۲۰۲۳ در پی اکتشافات جدید به بیش از ۲۰ میلیارد تن سنگ معدن افزایش یافته است. فقط کانسار سریدون در کرمان دارای حدود ۳۰۷ میلیارد تن منابع سنگ مس برآورد شده است. ایران علاوه بر مس دارای روی، سرب، کرومیت، سنگ‌گ‌هن و برخی دیگر از مواد معدنی است. درباره کشف ذخایر بزرگ لیتیوم در ایران نیز در سال‌های گذشته ادعاهایی مطرح شده اما میان «منابع زمین‌شناختی»، «ذخایر قابل استخراج اقتصادی» و «ظرفیت واقعی تولید» تفاوت بزرگی وجود دارد. بنابراین تا زمانی که اکتشاف تفصیلی، عیارسنجی، مطالعات اقتصادی و تولید تجاری انجام نشده‌باشد، قرار دادن ایران در ردیف قدرت‌های لیتیومی جهان زود هنگام است. مسئله ایران اساساً فقط داشتن معدن نیست، رقابت جهانی جدید بیش از هر چیز بر زنجیرۀ ارزش متمرکز است. کشوری ممکن است، ماده معدنی داشته باشد اما فناوری استخراج، سرمایه، آب، انرژی، زیرساخت حمل‌ونقل یا توان فرآوری آن را نداشته باشد و در نتیجه سهم اندکی از ارزش نهایی نصیب‌اش شود.

تحول ساختاری، زمانی ارزشمند است که منابع به فعالیت‌های بهره‌ورتر منتقل شوند نه صرفاً زمانی که سهم یک صنعت خاص افزایش پیدا کند. با این حال سپردن تحول ساختاری به بازار به معنای بی‌نیازی از دولت نیست. بازار نیز با شکست‌هایی روبه‌روست. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه منافع‌اش ممکن است به بنگاه‌های دیگر سرریز کند؛ ایجاد یک صنعت جدید به زیرساخت، نیروی انسانی ماهر و شبکه تأمین‌کنندگان نیاز دارد و بازارهای مالی نیز همیشه حاضر نیستند، پروژه‌های جدید و پرریسک را تأمین مالی کنند. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری‌ای که برای کل اقتصاد سودمند است ممکن است از دید یک بنگاه خصوصی صرفه اقتصادی نداشته باشد. به همین دلیل بحث امروز اقتصاد توسعه کمتر میان دو گزینه مطلق بازار یا دولت جریان دارد. پرسش مهم‌تر این است که دولت کجا و چگونه مداخله کند. دولت می‌تواند زیرساخت فراهم کند، آموزش را بهبود دهد، از تحقیق و توسعه حمایت کند، موانع ورود بنگاه‌ها را بردارد و ناکامی بازار را کاهش دهد. بدون اینکه الزاماً تعیین کند کدام شرکت باید برنده شود. تجربه توسعه نیز نشان می‌دهد، بازار و دولت در بسیاری از اقتصادهای موفق مکمل یکدیگر بوده‌اند. بازار در کشف فرصت‌ها و تخصیص غیرمتمرکز منابع مزیت دارد و دولت می‌تواند، مواعی را برطرف کند که بازار به تنهایی قادر به حل آنها نیست. بنابراین پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان، اجازه داد بازار مسیرهای تازه را کشف کند بدون آنکه شکست‌های بازار مانع دگرگونی اقتصاد شوند و چگونه دولت می‌تواند کمک کند بدون آنکه خود به مانع تحول تبدیل شود؟

جنگ علیه دارو

چگونه وعده «عدم حذف ارز ترجیحی» به آزادسازی قیمت‌ها و جهش ۲۰ برابری نرخ دارو انجامید

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



جنگ و محاصره دریایی و تحریم اضلاع مثلثی هستند که نقش خود را بر کمبود دارو به خوبی نشان می‌دهند. نامه‌ای که دیروز روی سامانه کدال پورس نشست، خط بطلانی کشید بر تمام اظهارات رسمی مسئولان وزارت بهداشت. شرکت شیمی داروپخش (دشیمی) صراحتاً اعلام کرد براساس نامه سازمان غذا و دارو، تمام محصولات این شرکت از شمول دریافت ارز ترجیحی خارج شده و قیمت‌گذاری آنها دیگر تابع مصوبات دولتی نیست. این افشاجاری درحالی رخ داد که تنها چند روز پیش از آن، وزیر بهداشت اعلام کرده بود، مسئولان اقتصادی دولت و مجلس قانع شده‌اند که شرایط کشور برای حذف ارز ترجیحی دارو مناسب نیست و این موضوع «فعلاً در دستور کار قرار ندارد».

جامعه

تأثیر جنگ بر معیشت

غلامرضا نوری قزلبه، وزیر جهاد کشاورزی در نشست خبری مطرح کرد: افزایش هزینه‌های تولید به دلیل وقوع جنگ است

گروه اجتماعی: نشست خبری غلامرضا نوری قزلبه، وزیر جهاد کشاورزی، با حضور اصحاب رسانه روز دوشنبه در محل این وزارتخانه برگزار شد. او در این نشست ضمن تشریح آخرین وضعیت تأمین کالاهای اساسی به پرسش‌های «سازندگی» درباره دلایل افزایش قیمت مواد غذایی، وضعیت ذخایر کالاهای اساسی، نگرانی‌ها درباره کمبود گندم، رفع دوباره ممنوعیت واردات برنج و ماجرای تخلف احتمالی ۴۵ هزار میلیاردی واردات نهاده‌های دامی پاسخ داد. وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به پرسشی درباره روند افزایش قیمت مواد غذایی، تأکید کرد که در تحلیل آمارهای تورمی باید میان افزایش قیمت یک کالا و روند کلی تورم تفاوت قائل شد. او گفت، آمار تورم کالاهای خوراکی شامل گروه‌های مختلفی است که بخش آشامیدنی‌ها نیز در آن لحاظ می‌شود و می‌تواند بر تغییرات قیمتی اثرگذار باشد.

به گفته نوری قزلبه، براساس دسته‌بندی آماری، روند تورم ماهانه این بخش از بهمن ماه از ۱۵.۵ درصد به ۲۰.۵ درصد کاهش پیدا کرده است. او با اشاره به اینکه «روایت اولیه یک موضوع گاهی بیش از پاسخ نهایی مورد توجه قرار می‌گیرد» گفت: «من مسئولیت پاسخگویی دارم و معتقدم، پرسش‌ها نیز باید براساس اطلاعات دقیق مطرح شوند. در مسائل اقتصادی باید آمار و داده‌های دقیق مبنا قرار گیرد». با این حال وزیر جهاد کشاورزی تأکید کرد که افزایش قیمت‌ها را انکار نمی‌کند. او با اشاره به قیمت مرغ گفت: «سال گذشته قیمت مرغ حدود ۱۴۰ هزار تومان بود و اکنون به حدود ۳۷۰ هزار تومان رسیده است اما باید بررسی کنیم، دلیل این افزایش چیست».

جنگ و افزایش هزینه تأمین کالاهای اساسی

نوری قزلبه یکی از عوامل اثرگذار بر افزایش قیمت‌ها را پیامدهای جنگ عنوان کرد و گفت، افزایش قیمت جهانی مواد اولیه، هزینه حمل‌ونقل و ریسک‌های تجاری، هزینه تولید و واردات را افزایش داده است. به گفته او، قیمت‌های جهانی مواد اولیه حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش داشته و هزینه حمل‌ونقل بین‌المللی نیز بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ درصد رشد کرده است. همچنین هزینه‌های ناشی از محدودیت‌های تجاری، بیمه کشتی‌ها و ریسک انتقال کالا باعث شده، هزینه واردات مواد اولیه حدود ۸ درصد افزایش پیدا کند. او افزود که شرایط معاملات تجاری نیز تغییر کرده است. پیش از این فروشندگان خارجی کالا را تحویل می‌دادند و تسویه مالی با فاصله انجام می‌شد اما اکنون در بسیاری از موارد، فروشندگان درخواست پرداخت در مبدأ دارند که هزینه‌های مالی و تجاری جدیدی ایجاد کرده است. وزیر جهاد کشاورزی همچنین به آسیب برخی واحدهای تولیدی در جریان جنگ اشاره کرد و گفت، آسیب به بخش‌هایی مانند صنایع بسته‌بندی، پلاستیک و فلزات نیز بر هزینه تولید اثر گذاشته است.

رشد هزینه نهاده‌ها و افزایش قیمت تمام‌شده

نوری قزلبه در ادامه به عوامل داخلی افزایش هزینه تولید اشاره کرد و گفت، هزینه نیروی کار حدود ۶۰ درصد افزایش داشته، هزینه انرژی

بحرانی که از زمستان ۱۴۰۴ آغاز شد
دومینو تغییر نرخ‌ها از ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۴ کلید خورده بود؛ زمانی که دولت تصمیم گرفت، ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را از ابتدای زنجیره واردات کالاهای اساسی حذف کند. اگرچه در نگاه اول، هدف این طرح اصلاح بازار خوراکی‌ها و توزیع کالایرگ یک میلیون تومانی بود اما کارشناسان اقتصاد سلامت همان زمان هشدار دادند که بدنه کم‌برقم صنعت دارو، توان تحمل این شوک را ندارد. حذف ارز دولتی یعنی جهش چندبرابری نیاز به تقدینگی در زنجیره‌ای که از پیش با بحران مطالبات معوق مواجه بود. با ورود به سال جدید، داده‌های آماری صورت واقعی این تصمیم را عریان کرد. ۱۳ خرداد سال جاری، مرتضی خیرآبادی، نایب‌رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی، پرده از کسری ۹۰۰ میلیون دلاری ارز ترجیحی دارو طی ۴ ماه برداشت، سهم ارزی این صنعت از ۳.۵ میلیارد به ۳ میلیارد دلار رسید و نیاز ۱۰۵ هزار میلیارد تومانی جدیدی برای تأمین تقدینگی روی دست

تولیدکنندگان گذاشت؛ بار مالی سنگینی که بیمه‌ها از پذیرش آن شانه خالی کردند تا هزینه آن مستقیم به سفره بیماران منتقل شود.

هزینه کرد از جیب بیماران خاص

نخستین ترکش‌های این سیاست ارزی، حساس‌ترین گروه‌های درمانی را هدف گرفت. خردادماه امسال انجمن تالاسمی ایران در اطلاعیه‌ای از حذف ناگهانی ارز داروهای وارداتی بیماران خاص خبر داد. گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از درخواست واه‌های چندصد میلیونی و حتی فروش اعضای بدن مانند کلیه و قرنیه چشم توسط خانواده‌ها منتشر شد که نشان می‌داد، حذف ارز بدون پیش‌بینی سازوکار جبرانی چه عواقب انسانی هولناکی به همراه دارد.

ادامه فعالیت نخواهد داشت». او تأکید کرد، راهکار اصلی در این شرایط افزایش قدرت خرید مردم و اصلاح سیاست‌های حمایتی است نه فشار بر تولیدکننده برای کاهش قیمت غیرواقعی.

تولید گندم افزایش یافته؛ کمبود نداریم

وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به نگرانی‌ها درباره کمبود گندم نیز گفت، وضعیت تولید این محصول مناسب است و افزایش تولید داشته‌ایم. او تأکید کرد در حال حاضر مشکل خاصی در تأمین گندم وجود ندارد و نباید در اطلاعات غیرتخصصی موجب نگرانی در جامعه شد. نوری قزلبه با اشاره به ماهیت زیستی تولیدات کشاورزی گفت محصولات کشاورزی مانند کالاهای صنعتی نیستند که بتوان درباره آنها با قطعیت‌های ثابت صحبت کرد.

ذخایر کالاهای اساسی تقویت شده است

نوری قزلبه در پاسخ به پرسش سازندگی درباره وضعیت ذخایر کالاهای اساسی گفت، تمام تکالیف مربوط به ذخیره‌سازی انجام شده و ذخایری که در ۱۴ ماه گذشته در مقاطع مختلف مصرف شده دوباره جایگزین و تقویت شده است. او تأکید کرد حتی در شرایط جنگی اخیر نیز از ذخایر موجود استفاده نشده و روند ذخیره‌سازی همچنان افزایشی بوده است؛ بنابراین از نظر ذخایر کالاهای اساسی نگرانی وجود ندارد.

رفع ممنوعیت واردات برنج برای تنظیم بازار

وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به پرسش «سازندگی» درباره رفع ممنوعیت واردات برنج نیز گفت، این ممنوعیت در سال‌های گذشته با هدف حمایت از برنجکاران داخلی در فصل برداشت اعمال شده بود اما سیاستگذار باید همزمان نیاز مصرف‌کنندگان را نیز در نظر بگیرد. او گفت سال گذشته نیز این ممنوعیت برداشت‌ها را باعث کاهش قیمت برنج داخلی شد و قیمت‌ها همچنان افزایش یافت.

به گفته نوری قزلبه، نیاز سالانه کشور به برنج حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار تن است که باید بخشی از آن از طریق واردات تأمین شود. از این میزان حدود ۶۰۰ هزار تن باید در ۴ ماه نخست سال وارد می‌شد اما مشکلات حمل‌ونقل دریایی باعث شد این میزان به‌طور کامل تأمین نشود. او تأکید کرد، باز شدن مسیر واردات به معنای واردات بدون کنترل نیست و وزارت جهاد کشاورزی مراقبت می‌کند که میزان واردات در حد نیاز کشور باشد و به تولید داخلی آسیب نزند. وزیر جهاد کشاورزی همچنین در مورد تخلفات احتمالی ۴۵ هزار میلیاردی واردات نهاده‌های دامی گفت: تا زمان تأیید نهایی گزارش تفحص در کمیسیون مجلس و تصویب در صحن هر گونه انتشار اخبار در این زمینه «خلاف قانون» است. نوری قزلبه با رد ادعاهای مطرح شده و «سوءتفاهم» خواندن اعداد گزارش‌ها، تأکید کرد: این تحقیقات مربوط به دوره‌های پیشین است و نباید نتایج آن را به دولت چهاردهم نسبت داد و اگر تخلفی رخ داده، مسئولان همان دوره و کسانی که در آن بازه زمانی تصمیم گرفته‌اند باید در برابر قانون پاسخگو باشند نه مدیران فعلی.



تکذیب در پاستور، آزادسازی در بورس

پارادوکس اصلی زمانی شکل گرفت که پس از سخنان وزیر بهداشت درباره توقف حذف ارز ترجیحی، بنیاد امور بیماری‌های خاص در نامه‌ای به رئیس‌جمهور از جهش ۱۰ تا ۲۰ برابری قیمت داروهای حیاتی نظیر مایفورتیک (پیوند کلیه) و داروهای شیمی‌درمانی پرده برداشت. نامه‌ای که در نهایت منجر به دستور بررسی رئیس‌جمهور به وزیر بهداشت شد، نشان داد که نایاب شدن یا گرانی سرسام‌آور داروی پیوند کلیه، بیماران را دوباره به چرخه سنگین دیالیز بازمی‌گرداند؛ چرخه‌ای که علاوه بر سلب کیفیت زندگی بیمار، هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر بر گرده سیستم درمانی کشور بار خواهد کرد.

محیط زیست

آلودگی نفتی قشم

نفت تا ۲۰ سانتی‌متر در بستر نفوذ کرده است

آلودگی نفتی در آب‌های اطراف قشم وارد مرحله‌ای فرسایشی شده است؛ هر بار بخشی از ساحل و دریا پاک‌سازی می‌شود، موج تازه‌ای از لکه‌های نفتی از راه می‌رسد و مناطق پاک‌سازی شده را دوباره آلوده می‌کند. امید صدیقی، مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌گوید، حجم آلودگی گسترده است و در برخی نقاط، نفت تا عمق ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متری بستر نفوذ کرده است. اما مشکل فقط حجم نفت نیست. به گفته صدیقی، جریان‌های دریایی و باد، مسیر لکه‌ها را تغییر می‌دهند و رصد و پیش‌بینی حرکت آنها را دشوار کرده‌اند. در عین حال، او از محدودیت‌هایی خبر داده که عملیات مقابله با آلودگی را با چالش بیشتری روبه‌رو کرده است؛ به گفته این مقام مسئول، نهاد نظامی اجازه پرواز پهپادهای شناسایی و ورود برخی شناورهای پاک‌سازی به منطقه را نمی‌دهد.

بخشی از تجهیزات و شناورهای مورد نیاز نیز در جریان جنگ آسیب دیده‌اند و تعدادی از شناورهای خدماتی، امدادی و مقابله با آلودگی هدف قرار گرفته‌اند. هرچند بوشهر به‌عنوان استان معین وارد عملیات شده و شناور تخصصی «دریاباک» نیز برای کمک اعزام شده است اما تداوم محدودیت‌ها می‌تواند توان پاک‌سازی را کاهش دهد.

در سوی دیگر خلیج فارس، عمان نیز با یک آلودگی نفتی مواجه است اما بنابر گزارش‌ها، منشأ لکه نفتی این کشور با آلودگی قشم متفاوت است. عمان برای مهار بحران از پایش هوایی و دریایی، بوم‌های مهارکننده و ظرفیت شرکت‌های تخصصی بین‌المللی استفاده کرده است.

در ایران اما هنوز درخواست رسمی برای کمک بین‌المللی مطرح نشده است. صدیقی به رویداد ۲۴ می‌گوید، اعلام نیاز در این زمینه برعهده سازمان بنادر است. او همچنین برآورد کرده که بازگشت منطقه به شرایط پایدار زیست‌محیطی با احتساب پاک‌سازی و احیا، دست‌کم ۴ تا ۵ سال زمان می‌برد؛ بحرانی که با هر موج تازه نفت، نقطه پایان آن دورتر می‌شود.

